



جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
ستاد بهکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

مؤلفه‌های مداخلات رقارای اثر بخش در ستمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات ستانی اسلامی



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

گزارش سیاستی

نویسنده:

سعید محمدیگی



تاریخ چاپ: تیرماه ۱۴۰۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

نویسنده: سعید محمدبیگی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی

ارزیاب: دکتر حسین بحرینی یزدی، دکتر حسین کفشگر

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

صفحه آرای: جلال جوانمرد

واژه‌های کلیدی: مالیات اسلامی، تمکین مالیاتی، اقتصاد رفتاری، سیاست‌گذاری، فرار مالیاتی

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۴۱۵۱۴۳۰

تاریخ نشر: تیر ماه ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاماً نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی باشد.

فهرست

چکیده مدیریتی	۱
مقدمه	۴
۱. پیشینه موضوع	۵
۲. اقتصاد رفتاری	۱۱
۳. مالیات‌های اسلامی	۱۵
۱-۳. تفاوت مالیات‌های اسلامی با مالیات‌ها در اقتصاد متعارف	۱۹
۴. مولفه‌های مالیات‌های اسلامی	۲۴
۱-۴. مالیات‌های ثابت	۲۴
۱-۱-۴. زکات:	۲۴
۲-۱-۴. خمس:	۲۶
۳-۱-۴. جزیه:	۲۶
۲-۴. مالیات‌های متغیر	۲۸
۳-۴. شبه مالیات‌ها	۲۸
۵. الزامات مطالعات رفتاری در راستای تمکین مالیاتی	۲۹
۱-۵. مدل‌های اقتصادی سنتی	۲۹
۲-۵. اقتصاد رفتاری و مفروضات مدل‌های سنتی	۳۱
۶. دلالت‌های مطالعات رفتاری در تمکین مالیاتی	۳۲
۱-۶. اثر قالب‌بندی	۳۲
۲-۶. معماری تلنگر و انتخاب	۳۴
۳-۶. هنجارهای اجتماعی متقابل	۳۶
۴-۶. اعتماد و انصاف مالیات‌دهندگان	۳۷
۷. پیامدهای عملی و توصیه‌های خط مشی اقتصاد رفتاری	۳۹
۱-۷. ساده‌سازی و برجستگی	۳۹
۲-۷. طراحی سیاست‌ها و شخصی‌سازی	۴۱

۳-۷. همکاری‌ها و به اشتراک‌گذاری داده‌های مالیاتی	۴۳
۸. مولفه‌های مالیات‌ستانی اسلامی از منظر اقتصاد رفتاری	۴۴
۸-۱. تمکین مالیاتی	۴۷
۸-۱-۱. تحریک انگیزه‌های معنوی	۴۷
۸-۱-۲. لزوم توجه دادن مودیان به پاداش‌های معنوی مثبت	۵۰
۸-۱-۳. تعمیق هویت دینی در تمکین مالیاتی	۵۱
۸-۱-۴. ایجاد حسابداری ذهنی	۵۴
۸-۲. الزامات اقتصاد رفتاری در تاثیر مولفه‌های اسلامی	۵۵
۸-۳. سایر رویکردها	۵۷
۸-۳-۱. داوطلبانه	۵۹
۸-۳-۲. عبادی	۶۰
۸-۳-۳. اخلاقی	۶۰
۸-۳-۴. مردمی	۶۱
۸-۳-۵. وسعت دایره	۶۲
۸-۳-۶. اعتماد و اندک بودن هزینه استیفا	۶۳
۸-۳-۷. عدم انتقال	۶۴
۸-۳-۸. توزیع مجدد ثروت	۶۵
۸-۳-۹. هماهنگی بین کارآیی و عدالت اجتماعی	۶۶
۹. جمع‌بندی و دلالت‌های سیاستی	۶۸
منابع	۷۵



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

باسمه تعالی

چکیده مدیریتی

در عصر حال حاضر، سیاست‌گذاری مالیاتی به‌عنوان یکی از اصولی‌ترین ابزارها برای تأمین منابع مالی دولت‌ها و تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. برای دستیابی به سیاست‌های مالیاتی موثر و کارآمد، مطالعات رفتاری به‌عنوان یک رویکرد نوین در زمینه تحلیل رفتارهای مالیاتی و عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری مالیاتی، به‌خصوص در میان افراد و شرکت‌ها، مورد توجه قرار گرفته است. این گزارش با هدف معرفی و بررسی رویکردهای مطالعات رفتاری در اقتصاد متعارف و بررسی دلالت‌های آن در زمینه سیاست‌گذاری مالیاتی در اقتصاد اسلامی ارائه شده است. در این زمینه، الزامات مطالعات رفتاری در جهت تمکین مالیاتی، دلالت‌های مطالعات رفتاری در تمکین مالیاتی و پیامدهای عملی و توصیه‌های خط‌مشی‌گذاری اقتصاد رفتاری در جهت افزایش درآمدهای مالیاتی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج گزارش حاضر حاکی از اهمیت ویژه مطالعات رفتاری در جهت افزایش درآمدهای مالیاتی در کشور است.

تمکین مالیاتی به معنای تأمین درآمد دولت از طریق مالیات‌ها است. این درآمدها برای تأمین هزینه‌های دولتی از جمله زیرساخت‌ها، خدمات عمومی، امنیت و سلامتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین، این منابع می‌توانند برای تعادل بودجه، کاهش بدهی، تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی، تنظیم بازارها و تشویق به انجام فعالیت‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. با افزایش پیچیدگی ساختار مالیاتی و مشکلات اجتماعی و اقتصادی، استفاده از روش‌های متعددی برای تمکین مالیاتی در پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از این رویکردها، استفاده از مداخلات رفتاری است که از تئوری‌ها و اصول رفتاری برای ایجاد تغییرات مثبت در رفتار مالیاتی افراد و شرکت‌ها استفاده می‌کند. در این ارتباط گزارش پژوهشی حاضر به بررسی مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی و با توجه به آموزه‌های اسلامی می‌پردازد و به دنبال شناخت عوامل



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

مؤثر در تغییر رفتار مالیاتی اشخاص و ارائه راهکارهای مؤثر برای ارتقاء پرداخت‌های مالیاتی و جلوگیری از کاهش تمکین مالیاتی بر اساس آموزه‌های اسلامی است. این گزارش سیستم مالیاتی اسلام را بر پایه و مدلی از سیستم اقتصادی عدالت‌طلبانه معرفی کرده است. این مدل سیاست‌گذاری از مالیات‌ستانی اسلامی از مبانی فقهی و اصول اقتصادی اسلامی، در جهت تعیین نحوه جمع‌آوری مالیات و توزیع آن بهره می‌برد.

حوزه بینش‌های رفتاری بر درک تصمیمات و رفتارهای انسانی متمرکز است و سپس از آن بینش‌ها برای طراحی سیاست‌ها و مداخلات عملی در فضای اقتصاد استفاده می‌کند. با توجه به نحوه اخذ مالیات در کشورهای مختلف و بهره‌برداری از اصول اقتصاد رفتاری در این ارتباط، می‌توان آن را به طور هدفمند در طیف وسیعی از حوزه‌ها، از خدمات مالیات‌دهندگان و اجرای قانون تا موضوعات داخلی مانند مشارکت کارکنان و بهره‌وری اعمال کرد.

این گزارش تأکید می‌کند که کشور ایران می‌تواند در راستای ارتقای سطح تمکین مالیات‌ها از جمله مالیات‌های اسلامی، از عناصر زیر استفاده نماید:

۱. **تحریک انگیزه‌های معنوی:** در واقع توجه دادن مودیان مالیاتی نسبت به پاداش‌ها و مجازات‌های که برای تمکین یا عدم تمکین مالیات در نظر گرفته شده است می‌تواند نقش پررنگی در راستای پرداخت مالیات‌ها ایفا نماید.

۲. **لزوم توجه دادن مودیان به پاداش‌های معنوی مثبت:** در حقیقت پاداش‌های معنوی برای افراد مودی پیش‌بینی شده که اگرچه خود جزئی از انگیزه‌های معنوی هستند، اما ملموس‌تر بوده و در کوتاه‌مدت به فرد منفعت قابل قبولی می‌رسانند.

۳. **جمع‌آوری مالیات بر اساس ترجیحات اجتماعی:** در واقع تلاش برای همسو کردن منافع مقام مالیاتی و مودی می‌تواند در پرداخت مؤثر مالیات‌ها نقش بسزایی ایفاء کند.

۴. **تعمیق هویت دینی در تمکین مالیاتی:** در واقع القاء هویت دینی در افراد و شناساندن مالیات‌ها به عنوان



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

یکی از ارکان اسلام سبب می‌شود تا افرادی که در پرداخت‌ها کوتاهی کنند، حس بی‌هویتی نسبت به دین را احساس کرده یا حداقل توسط سایر هم‌معنایان خود مورد سرزنش قرار گیرند.

۵. **ایجاد حسابداری ذهنی:** حسابداری ذهنی به گونه‌ای است که در ذهن افراد مالیات‌ها به عنوان حق الهی شناخته شود که باید به اذن یا توسط امام و نواب وی هزینه شود و در غیر این صورت مؤدی حق تصرف در آن را ندارد.

۶. **اثر قالب‌بندی:** نحوه ارائه یا چارچوب‌بندی سیاست‌های مالیاتی بر رفتار مالیات‌دهندگان تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، افراد زمانی که متوجه شوند تمرکز سیاست‌گذار بر مزایای اجتماعی است تا مجازات‌ها یا اجرای آن مجازات‌ها، بیشتر تمایل دارند تا از تعهدات مالیاتی پیروی کنند.

۷. **معماری تلنگر و انتخاب:** استفاده از مداخلات رفتاری به جهت هدایت افراد به سمت رفتارهای مطلوب و البته بدون محدود کردن آزادی انتخاب آن‌ها نیز می‌تواند در تمکین مالیاتی موثر باشد، پژوهش‌های در این ارتباط حاکی از این حقیقت است که تغییرات ساده در نحوه طراحی فرم‌های مالیاتی یا ارائه اطلاعات در ارتباط با پرداخت‌های مالیاتی می‌تواند به میزان قابل توجهی بر نرخ تمکین مالیاتی تأثیر بگذارد.

۸. **هنجارهای اجتماعی متقابل:** مالیات‌دهندگان زمانی که فرار مالیاتی را از نظر اجتماعی غیرقابل قبول بدانند، به احتمال زیاد این موضوع می‌تواند در تمکین مالیاتی آنان موثر واقع شود. برجسته کردن و رواج رفتار مالیات‌دهندگان صادق در امر تمکین مالیاتی و تأکید بر تعهدات متقابل، می‌تواند به بهبود نرخ تمکین مالیاتی کمک کند.

۹. **اعتماد و انصاف مالیات‌دهندگان:** افزایش اعتماد از طریق سیاست‌های مالیاتی شفاف و منصفانه می‌تواند منجر به افزایش تمکین مالیاتی شود. علاوه بر این، ادراک از انصاف در سیستم مالیاتی، به طور قابل توجهی بر نگرش مالیات‌دهندگان و تمایل به پرداخت مالیات توسط آنان نقش دارد.



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

مقدمه

مالیات نقش مهمی در تامین مالی خدمات عمومی، زیرساخت‌ها و برنامه‌های رفاه اجتماعی ایفا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان ستون فقرات هر اقتصادی عمل کند. با این حال، علیرغم اهمیت این موضوع، تمکین مالیاتی همچنان یک چالش برای دولت‌ها در سراسر جهان به‌شمار می‌رود. افراد و مشاغل اغلب درگیر اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی هستند که منجر به از دست دادن مقادیر چشمگیری از درآمدهای مالیاتی شده است، توجه به سیاست‌های پیشنهادی اقتصاد رفتاری در راستای تمکین مالیاتی و توجه به نتایج چشمگیری که در پیاده‌سازی این سیاست‌ها حاصل شده است می‌تواند به درآمدهای سرشار منجر شده و دولت‌ها را در برنامه‌های توسعه‌ای خویش بیش از پیش یاری کند.

در جهت پرداختن به این موضوع، مداخلات رفتاری به عنوان یک رویکرد امیدوارکننده برای افزایش تمکین مالیاتی پدیدار شده است. با درک عوامل روانشناختی که بر تصمیمات و رفتارهای مالیات‌دهندگان تأثیر می‌گذارد، سیاست‌گذاران می‌توانند مداخلاتی را طراحی کنند که افراد و کسب و کارها را داوطلبانه به سمت تمکین بیشتر مالیاتی سوق دهد.

در زمینه مالیات‌های اسلامی، این مداخلات ابعادی منحصر به فرد به خود می‌گیرد و اصول و ارزش‌هایی را در بر می‌گیرد که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد. هدف این مطالعه بررسی مؤلفه‌های کلیدی مداخلات رفتاری مؤثر است که می‌تواند تمکین مالیاتی را در چارچوب مالیات‌های اسلامی تقویت کند. با بررسی تلاقی اقتصاد رفتاری، مالیه اسلامی و سیستم‌های مالیاتی، هدف این گزارش روشن کردن چگونگی استفاده از این عناصر برای افزایش تمکین داوطلبانه مالیاتی در میان مالیات‌دهندگان در اقتصاد ایران و با توجه به ابعاد اسلامی موضوع است.

در این گزارش، نظریه‌ها و مدل‌های رفتاری مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است که مبنای



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

تصمیم‌گیری‌های مربوط به تمکین مالیاتی هستند، نظریه‌ها و مدل‌هایی همچون: نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، عدم مشارکت اخلاقی و هنجارهای اجتماعی. در حقیقت با بررسی این نظریه‌ها از دریچه اسلامی، بهتر می‌توان دریافت که چگونه آموزه‌های اسلامی بر نگرش‌ها و انگیزه‌های مالیات‌دهندگان تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، در این گزارش مطالعات موردی موفق مداخلات رفتاری اجرا شده در سایر حوزه‌های مالیاتی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و به علاوه کاربرد آن‌ها در زمینه مالیات اسلامی بررسی شده است. با تجزیه و تحلیل گرایش‌ها و نظرات پژوهش‌های دانشگاهی و تجربیات عملی، هدف این گزارش شناسایی بهترین شیوه‌هایی است که با اصول مالیات اسلامی همسو هستند.

در این ارتباط بعد از مقدمه، بخش اول این گزارش به بررسی پیشینه موضوع در حوزه اقتصاد رفتاری و سیاست‌گذاری مالیاتی پرداخته است. بخش دوم به بررسی تعریف، چارچوب و دلالت‌های حوزه اقتصاد رفتاری در حوزه مالیات‌ستانی پرداخته است. بخش سوم به بررسی ویژگی مالیات‌های اسلامی می‌پردازد. بخش چهارم مؤلفه مالیات‌های اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش پنجم الزامات مطالعات رفتاری در حوزه تمکین مالیاتی را بررسی کرده است. بخش ششم دلالت‌های اقتصاد رفتاری در تمکین مالیاتی را بررسی کرده است، بخش هفتم پیامدهای عملی و توصیه‌های خط‌مشی‌گذاری اقتصاد رفتاری را مطالعه می‌کند و در نهایت در بخش هشتم به جمع‌بندی و دلالت‌های سیاستی گزارش حاضر اشاره شده است.

۱. پیشینه موضوع

فرار مالیاتی پنهان کردن غیرقانونی یک فعالیت مشمول مالیات است. اندازه‌گیری میزان پنهان‌کاری فعالیت‌های اقتصادی همیشه با مشکلاتی برای دولت‌ها همراه بوده است، چرا که افرادی که دست به فرار مالیاتی می‌زنند، انگیزه‌ای برای پنهان کردن فعالیت‌های خود دارند. با این حال، تخمین‌هایی که از منابع رسمی پژوهشی در این ارتباط و محققان دانشگاهی در دسترس است، بر این باور است که فرارهای مالیاتی



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

یک فعالیت اقتصادی مهم برای افراد دخیل در این موضوع به شمار می‌آید. این امر بر اهمیت درک فرآیند تصمیم‌گیری مالیات‌دهندگان در هنگام انتخاب اینکه آیا قانون مالیات را رعایت کنند یا فرار مالیاتی داشته باشند، تأکید می‌کند.

تحلیل‌های اقتصادی در ارتباط با تصمیم تمکین مالیاتی افراد را می‌توان در کارهای اولیه آلینگهام و ساندمو^۱ ردیابی کرد. این محققین مالیات‌دهنده را به‌عنوان فردی در جهت تصمیم‌گیری با توجه به دو مؤلفه خطرپذیر بودن یا ریسک‌گریزی از فرار مالیاتی به علاوه توجه به حداکثرسازی مطلوبیت مورد انتظار مدل‌سازی کرده‌اند. این ریسک که افراد به آن توجه دارند در حقیقت ناشی از احتمال انجام ممیزی تصادفی توسط مقامات مالیاتی است که فرار مالیاتی را بررسی و کشف می‌کنند. ژاکی^۲ این مدل را با بیان مجازات فرار به عنوان جریمه‌ای که از مالیات پرداخت نشده وضع می‌شود، اصلاح کرده است که بیشتر با عمل فرد در این ارتباط مطابقت دارد. مدل ژاکی اساس تحولات پژوهش‌های بعدی در این زمینه را تشکیل می‌دهد و می‌توان از آن به عنوان مدل بهینه تصمیم تمکین مالیاتی استفاده کرد. نقطه قوت این مدل وضوح پیش‌بینی‌های استاتیک مقایسه‌ای برای افراد مختلف است. این مدل پیش‌بینی می‌کند که سطح فرار مالیاتی انتخاب‌شده زمانی کاهش می‌یابد که میزان جریمه یا احتمال فرار از مالیات افزایش یابد. همچنین پیش‌بینی می‌کند که وقتی مطلق ریسک‌گریزی در حال کاهش است، فرار مالیاتی با درآمد فرد افزایش می‌یابد. این نتایج با انتظارات شهودی و با شواهد تجربی برخی دیگر از پژوهش‌ها در این زمینه نیز مطابقت دارد. اما، توجه به این نکته ضروری است که دو بعد کلیدی در این گونه پژوهش‌ها وجود دارد که در آن‌ها پیش‌بینی‌های مدل با داده‌ها و حقایق عینی موجود مطابقت ندارد. اولاً، زمانی که با مقادیر احتمال حسابرسی و نرخ جریمه

۱. (۱۹۷۲)

۲. (۱۹۷۴)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

نزدیک به آنچه در عمل مشاهده می‌شود، مواجه می‌شویم، مدل پیش‌بینی می‌کند که همه مالیات‌دهندگان باید درگیر فرار مالیاتی باشند. این نتیجه شرایط کافی برای فرار مالیاتی است که در چارچوب مطلوبیت مورد انتظار به دست می‌آید. به عنوان مثال، اندازه‌گیری ارو-پرات تخمین می‌زند که ریسک‌گریزی نسبی برای آمریکا بین یک تا دو است، اما تنها مقدار ۳۰ درصد نرخ تمکین مالیاتی مشاهده شده را توضیح می‌دهد،^۱ به علاوه، مدل پیش‌بینی می‌کند که با افزایش نرخ مالیات، سطح فرار مالیاتی کاهش می‌یابد. این نتیجه به نظر می‌رسد که تا حدودی غیرواقعی باشد، اما در حقیقت پیامد مستقیم این پیش‌بینی این واقعیت است که جریمه مضربی از مقدار مالیاتی است که مالیات‌دهنده تلاش کرده از پرداخت آن اجتناب کند. به بیان دیگر وقتی نرخ مالیات افزایش می‌یابد، مجموع جریمه برای مقدار مشخصی فرار مالیاتی نیز افزایش می‌یابد، و این موضوع به مالیات‌دهندگان در ایالتی که کمترین درآمد را دارند ضربه می‌زند.

این نتایج باعث شده اعتبار مدل مورد تردید قرار گیرد و منجر به پژوهش‌های دیگری برای مدلی بهتر در این ارتباط شود. هدف از این پژوهش‌ها، ساختن مدلی از تصمیم تمکین مالیاتی است که بر پایه تئوری اقتصادی مستقر باشد و در عین حال پیش‌بینی‌های ناقص مدل قبلی را نیز تصحیح کند. توسعه‌های متعددی از مدل بهینه اولیه وجود دارد، مانند درون‌زا کردن عرضه نیروی کار و از جمله انتخاب بین اشتغال در بخش‌های رسمی و غیررسمی و افزایش پیچیدگی مالیات بر درآمد. جزئیات این مدل‌های بعدی را می‌توان در بررسی‌های پایل^۲ و ساندمو^۳ یافت.

در حقیقت مدل اولیه و جزئیات آن که در بالا مورد بررسی قرار گرفت، بر اساس دو فرض کلیدی است. اولاً، خطر مرتبط با تصمیم افراد در نپرداختن مالیات، از طریق استفاده از نظریه مطلوبیت مورد انتظار ارائه

۱. (گریتز و وایلد، ۱۹۸۵؛ آلم و همکاران، ۱۹۹۲).

۲. (۱۹۹۱).

۳. (۲۰۰۵).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

شده توسط فون نویمان و مورگرنسترن^۱ ارائه شده است. دوماً، در این مدل انتخاب مالیات‌دهندگان کاملاً فردگرایانه نشان داده می‌شود: در حقیقت تصمیم فرار مالیاتی در این مدل بدون اشاره به آنچه مالیات‌دهندگان دیگر انجام می‌دهند اتخاذ شده است. در این ارتباط شناسایی طیفی از ناهنجاری‌ها^۲ الهام‌بخش توسعه پژوهش‌های اقتصاد رفتاری در دهه اخیر بوده است. اقتصاد رفتاری یک مکتب گسترده‌ای است که بسیاری از رویکردهای غیراستاندارد انتخاب را نیز در بر می‌گیرد. در حقیقت این موضوع به معنای رویکردهایی به انتخاب افراد، همراه با ریسک می‌باشد که از بدیهیات نظریه مطلوبیت مورد انتظار و تصمیم فرار مالیاتی افراد در زمینه اجتماعی محسوب می‌شود.

به‌علاوه مطالعات داخلی زیادی در مورد مالیات‌های اسلامی صورت گرفته است؛ اما سهم اقتصاد رفتاری و مداخلات رفتاری در تمکین مالیاتی و نحوه جهت‌دهی انگیزش و تربیت مودیان و نحوه مدیریت آن‌ها ناچیز است. توکلی^۳ در مقاله‌ای با عنوان «انگیزش و تربیت اخلاقی در نظام مالیاتی اسلام» به بررسی استفاده از سیاست‌های کنترلی و تشویقی و تنبیهی متعارف در سیاست‌گذاری مالیاتی پرداخته است. وی برای ورود از زاویه اخلاق مالیاتی، ابتدا انگیزه پرداخت مالیات‌های اسلامی را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم کرده، نشان می‌دهد سیاست‌های کنترلی از طریق کاهش حس اعتماد و سیاست‌های تشویقی و تنبیهی مالی از طریق تغییر ذهنیت نسبت به بازار مبادله بر اخلاق مالیاتی اثر منفی گذاشته، موجب تخلیه انگیزه درونی می‌شوند. وی نتیجه می‌گیرد تخلیه این انگیزه مورد توجه شارع مقدس بوده و لذا پرداخت خمس و زکات عمده‌تأ داوطلبانه است تا بتواند آثار تربیتی مورد نظر اسلام را به بار آورد. گزارش حاضر به کمک انواع انگیزه‌های پرداخت مالیات مورد بحث در اقتصاد رفتاری تلاش می‌کند انواع انگیزه‌ها در الگوی اسلامی را

۱. (۱۹۴۷)

۲. (تالر، ۱۹۹۴)

۳. (۱۳۹۵)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

نیز بر پایه این مطالعات شناسایی کرده، علاوه بر شباهت‌ها، تفاوت‌های تمکین مالیات در رویکرد اسلامی با الگوی اقتصادی تمکین مالیات را با دسته‌بندی انواع انگیزه‌ها در اسلام نشان دهد.

بحرینی و عیسوی^۱ در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری و اصول اخذ مالیات در اسلام و جایگاه آن در تشکیل نظام مالیاتی نوین» به روش توصیفی-تحلیلی به دنبال استخراج اصول نظری و مالیاتی اسلام برای شکل‌دهی و اجرای نظام مالیات‌ستانی شرعی و حکومتی هستند. این محققین برخی از اصول اخلاقی نظام درآمد عمومی اسلامی در برخورد با مؤدیان را به این صورت برمی‌شمارند: رعایت اعتماد عمومی؛ اغماض، تغافل و تسامح عمومی؛ برخورد کریمانه؛ ترویج روحیه انفاق در پرداخت و حرص‌زدن در جمع‌آوری وجوه و رعایت عدالت مالیاتی.

در نهایت، این مطالعه به دنبال کمک به تحقیقات در مورد اقتصاد رفتاری و پیامدهای آن برای سیاست مالیاتی، به ویژه در زمینه مالیات‌های اسلامی است. یکی از اهداف گزارش حاضر ایجاد درک جامعی از مؤلفه‌هایی است که مداخلات مؤثر در تمکین مالیاتی را هدایت می‌کنند، بینش‌های ارزشمندی که برای سیاست‌گذاران برای ایجاد استراتژی‌های هدفمند و حساس فرهنگی ارائه می‌شود می‌تواند تمکین بیشتر مالیاتی و ایجاد درآمد باثبات مالیاتی در اقتصاد ایران را تقویت کند.

ارتباطی دوسویه میان عوامل اقتصادی و تمکین مالیاتی وجود دارد. عواملی که بر تمکین و یا عدم تمکین مالیاتی تأثیر می‌گذارند، از کشوری به کشور دیگر و همچنین از فردی به فرد دیگر متفاوت است.^۲ این عوامل تأثیرگذار را می‌توان در مواردی همچون: ادراک مالیات‌دهندگان از سیستم مالیاتی و سازمان درآمدی در هر کشوری^۳ تقسیم‌بندی کرد. نگرش همسالان و هنجارهای ذهنی؛ درک افراد از سیستم مالیاتی و قوانین

۱. (۱۳۹۴)

۲. (کرجلر، ۲۰۰۷).

۳. (آمبریج، ۱۹۹۸)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

مالیاتی^۱ انگیزه‌هایی مانند: پاداش^۲ و مجازات^۳ هزینه تمکین مالیاتی^۴ تلاش‌های اجرایی مانند حسابرسی؛ احتمال تشخیص؛ تفاوت در فرهنگ؛ کنترل رفتاری درک شده^۵ اخلاق مالیات‌دهندگان و اخذ مالیات؛ عدالت سیستم‌های مالیاتی؛ عوامل جمعیت‌شناختی مانند جنس، سن، تحصیلات و اندازه درآمد^۶ و استفاده از اطلاعات، از دیگر عواملی هستند که می‌توانند بر رفتار مالیاتی افراد اثرگذار باشند.

در حقیقت نتایج تجربی برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تمکین مالیاتی منجر به افزایش درآمد و نرخ حسابرسی و کاهش در نرخ‌های مالیاتی می‌شود. به‌علاوه تمکین مالیاتی نیز زمانی بیشتر است که افراد مزایای یک کالای عمومی را که توسط پرداخت‌های مالیاتی آن‌ها تأمین می‌شود، به‌نحو مطلوب‌تری درک کنند، در حالی که نتایج همین پژوهش‌ها حاکی از این است که تغییرات در نرخ‌های جریمه عدم تمکین مالیاتی، تأثیر اندکی بر رفتار تمکین مالیاتی داشته است.^۷ بنابراین به نظر می‌رسد که ابزارهای سیاست مالیاتی فراتر از نسخه استاندارد اقدامات اجرایی، وجود دارد که دولت‌ها می‌توانند برای دستیابی به درجه مطلوب خود از انطباق با قوانین مالیاتی در اقتصاد اعمال کنند. در واقع، برخی از این ابزارهای استاندارد همچون: جریمه‌های بیشتر، ممکن است تا حد زیادی در افزایش تمکین مالیاتی بی‌اثر باشند. به‌طور خلاصه، سیاستگذار حوزه مالیات باید طیف وسیعی از رویکردها را در تلاش‌های خود برای ارتقای تمکین مالیاتی دنبال کند.^۸ بنابراین، پرداخت جریمه برای مالیات‌های معوق صرفاً نباید در دستور کار سیاستگذار مالیاتی قرار گیرد؛ در این موارد، نیاز به

۱. (سیلوانی، ۱۹۹۲؛ باریوتا، ۱۹۹۲)؛

۲. (فلد و همکاران، ۲۰۰۶)

۳. (آلینگهام و ساندمو، ۱۹۷۲).

۴. (اسلمرود، ۱۹۹۲؛ باریوتا، ۱۹۹۲).

۵. (عبدالرشید و همکاران، ۲۰۲۳).

۶. (مورفی، ۲۰۰۴)

۷. (آلم و همکاران، ۱۹۹۲)

۸. (آلم و همکاران، ۱۹۹۲).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

اجازه حسابرسی توسط مأموران مالیاتی نیز در صورت لزوم نیز باید وجود داشته باشد، به ویژه اگر افراد، مشکوک به وجود نوعی عدم تمکین مالیاتی باشند. آنچه مسلم است ضرورت ساده سازی نظام مالیاتی است. در صورتی که نظام مالیاتی ساده و قابل فهم باشد، نه تنها هزینه‌های مؤدی برای تمکین در مقابل نظام مالیاتی کاهش می‌یابد، بلکه هزینه‌های نظام مالیاتی برای جمع‌آوری مالیات نیز کاهش می‌یابد. علاوه بر این، مقدمه لازم کاهش نرخ کلی مالیات، ساده‌سازی نظام مالیاتی است. در جهت ساده‌سازی مالیات، تجمع مالیات‌هایی است که پایه مالیاتی یکسانی دارند. در سال‌های اخیر در ایران اقدام بسیار مناسبی در این جهت انجام شده است. برای مثال انواع عوارض و پرداختی‌های شرکت‌ها در قالب قانون تجمع عوارض سازماندهی شده و بعد مالیات بر ارزش افزوده جانشین بخش عمده‌ای از آن‌ها شده است؛ همچنین با الکترونیکی کردن پرداخت مالیات حقوق و حق بیمه تأمین اجتماعی و همچنین مالیات بر ارزش افزوده، می‌توان تعداد و زمان پرداخت مالیات را به نحو قابل توجهی کاهش داد.

۲. اقتصاد رفتاری

اقتصاد رفتاری، تأثیر عوامل روانشناختی، شناختی، عاطفی، فرهنگی و اجتماعی را در تصمیمات افراد یا نهادها و چگونگی انحراف این تصمیمات از آنچه در نظریه اقتصادی کلاسیک بیان می‌شود، مورد مطالعه قرار می‌دهد.^۱ اقتصاد رفتاری اساساً به مرزهای عقلانیت عوامل اقتصادی می‌پردازد. مدل‌های رفتاری این شاخه از علم اقتصاد معمولاً بینش‌های روان‌شناسی، علوم اعصاب و نظریه‌های اقتصاد خرد را مورد بررسی قرار می‌دهد.^۲ در حقیقت مطالعه اقتصاد رفتاری شامل نحوه اتخاذ تصمیمات بازار و مکانیسم‌هایی است که افکار عمومی را هدایت می‌کند.

۱. (تام، ۲۰۱۰؛ کاترین، ۲۰۱۸).

۲. (لین و ماینتون، ۲۰۱۳)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

اقتصاد رفتاری به عنوان یک حوزه مطالعاتی مجزا در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفته است، اما می‌توان آن را به اقتصاددانان قرن هجدهم، مانند آدام اسمیت، نیز نسبت داد، اقتصاددانانی که در مورد اینکه چگونه رفتار اقتصادی افراد می‌تواند تحت تأثیر خواسته‌های آن‌ها قرار گیرد، بحث کرده‌اند.^۱ اقتصاد رفتاری هنوز به عنوان یک رشته در حال رشد مطرح و در پژوهش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (نایلس، ۲۰۱۷)، اما وضعیت اقتصاد رفتاری به عنوان یک زیرشاخه از اقتصاد پیشرفت‌های چشمگیری را نیز خصوصاً در سه دهه اخیر تجربه کرده است. پیشرفت‌هایی که پایه و اساس آن را باید توسط اقتصاددانان در دهه ۷۰ و ۸۰ جستجو کرد (میریام، ۲۰۰۴، آگنر، ۲۰۲۱).

اقتصاددانان اولیه نئوکلاسیک استدلال روانشناختی را در بسیاری از نوشته‌های خود گنجانده بودند، اگرچه روانشناسی در آن زمان یک رشته مطالعاتی شناخته شده نبود. در نظریه عواطف اخلاقی، آدام اسمیت در مورد مفاهیمی نوشت که بعداً توسط نظریه اقتصادی رفتاری مدرن رایج شد، مانند ریسک‌گریزی. جرمی بنتام، یکی دیگر از اقتصاددانان نئوکلاسیک در دهه ۱۷۰۰، مطلوبیت را به عنوان محصول روانشناسی مفهوم‌سازی کرد.^۲ سایر اقتصاددانان نئوکلاسیک نیز که توضیحات روانشناختی را در آثار خود گنجانده‌اند عبارتند از: فرانسیس اجورث، ویلفردو پارتنو و ایروینگ فیشر.

حذف روانشناسی از اقتصاد، توسط مکتب نئوکلاسیک در اوایل دهه ۱۹۰۰، دوره‌ای را به وجود آورد که با تکیه بر تجربه‌گرایی تعریف می‌شد.^۳ در حقیقت عدم اعتماد به نظریه‌های مطلوبیت‌گرایانه وجود داشت که دنبال کردن حداکثر سود را جنبه‌ای اساسی در درک رفتار اقتصادی انسان محسوب می‌کرد.^۴ تجزیه و تحلیل

۱. (نوا و همکاران، ۲۰۰۵)

۲. (کامرر و همکاران، ۲۰۰۴)

۳. (کامرر و همکاران، ۲۰۰۴).

۴. (آگنر، ۲۰۲۱).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

افراد مطلوبیت‌گرا موفقیت کمی در پیش‌بینی رفتار انسان نشان داده بود، و باعث شد که بسیاری قابلیت آن را به عنوان یک منبع قابل اعتماد برای پیش‌بینی زیر سوال ببرند.

همچنین این ترس در میان اقتصاددانان وجود داشت که دخالت روانشناسی در شکل‌دهی مدل‌های اقتصادی غیرممکن است و از اصول نئوکلاسیک معاصر فاصله می‌گیرد.^۱ اقتصاددانان می‌ترسیدند که تأکید بیشتر بر روانشناسی مؤلفه‌های ریاضی این رشته را تضعیف کند. ویلیام پیتر همیلتون، سردبیر وال استریت ژورنال از سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۲۹، درولتن بازار بورس چنین می‌نویسد: «ما به طرز فاجعه‌باری در قانون عرضه و تقاضا دخالت کرده‌ایم که نمی‌توانیم خود را به مرحله رادیکال‌رها کردن آن برسانیم.»^۲

در جهت تقویت توانایی علم اقتصاد در پیش‌بینی دقیق، اقتصاددانان به جای نظریه‌های مبتنی بر روان‌شناسی انسانی، به دنبال پدیده‌های ملموس بودند.^۳ روانشناسی برای بسیاری از این اقتصاددانان غیرقابل اعتماد تلقی می‌شد، چرا که این رشته جدید بود و به اندازه کافی علمی لحاظ نشده بود.^۴ اگرچه تعدادی از محققان نسبت به پوزیتیویسم در اقتصاد ابراز نگرانی کردند، مدل‌های مطالعه وابسته به بیش‌های روان‌شناختی کمتر در دسترس محققین قرار داشتند.^۵ اقتصاددانان در عوض انسان‌ها را به عنوان تصمیم‌گیرندگان کاملاً منطقی و منفعت‌طلب تصور می‌کردند که در مفهوم «انسان اقتصادی»^۶ نشان داده شده بود.^۷

۱. (هانسن و پرسکورن، ۲۰۲۲).

۲. (برون و همکاران، ۱۹۹۸؛ بوید، ۲۰۲۰)

۳. (آگنر، ۲۰۲۱)

۴. (کامرر و همکاران، ۲۰۰۴).

۵. (کامرر و همکاران، ۲۰۰۴)

۶. (homo Economicus)

۷. (بوید، ۲۰۲۰)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

ظهور مجدد روانشناسی در اقتصاد که امکان گسترش اقتصاد رفتاری را فراهم کرد با انقلاب شناختی مرتبط است.^۱ در دهه ۱۹۶۰، روانشناسی شناختی شروع به روشن کردن بیشتر مغز به عنوان یک دستگاه پردازش اطلاعات کرد (بر خلاف مدل‌های رفتارگرا). روانشناسان در این زمینه، مانند وارد ادواردز، آموس تورسکی و دانیل کانمن شروع به مقایسه مدل‌های شناختی خود از تصمیم‌گیری در شرایط ریسک و عدم اطمینان با مدل‌های اقتصادی رفتار عقلانی کردند. این تحولات، اقتصاددانان را برانگیخت تا در مورد اینکه چگونه روانشناسی می‌تواند در مدل‌ها و نظریه‌های اقتصادی به کار رود، تجدید نظر کنند.^۲ به طور همزمان، فرضیه مطلوبیت مورد انتظار و مدل‌های مطلوبیت تنزیل شده شروع به پذیرش از جانب جامعه شدند. همچنین باعث به چالش کشیدن دقت مطلوبیت عمومی و برخی مفاهیم پایه و اساس عملی در اقتصاد رفتاری شدند: چالش‌هایی که می‌توان نقطه شروع آن‌ها را در ساخت مدل‌های بهینه با به کارگیری دانش روان‌شناختی^۳ و روانشناسی ریاضی جهت نشان دادن علاقه دیرینه اقتصاددانان به انتقال ترجیحات و اندازه‌گیری مطلوبیت دانست.^۴

بررسی رفتار تمکین مالیاتی در پژوهش‌های مختلف حاکی از این حقیقت است که در موارد مختلفی این رفتار توسط سیاست‌های بر پایه مجازات، همچون: حسابرسی مالیاتی و نرخ جریمه توضیح داده شده است.^۵ با این حال، رویکردهای نظری صرفاً نمی‌تواند به طور کامل رفتار تمکین مالیاتی را توضیح دهد. مطالعات زیادی برای توضیح رفتار تمکین مالیاتی در موقعیت‌های واقعی‌تر انجام شده است. این پژوهش‌ها بر روی عوامل تعیین‌کننده تمکین مالیاتی، همچون عوامل اقتصادی و غیراقتصادی متمرکز شده‌اند. از عوامل

۱. (کامرر و همکاران، ۲۰۰۴؛ سنت، ۲۰۰۴).

۲. (کامرر، ۲۰۰۴).

۳. (آگنر، ۲۰۲۱).

۴. (لوکی، ۲۰۰۰).

۵. (آلم و همکاران، ۱۹۹۲).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

غیراقتصادی نیز در راستای بهره‌برداری از آن‌ها در تمکین مالیاتی، استفاده شده است.^۱ این مطالعات سعی کرده‌اند بسیاری از عوامل غیراقتصادی را نیز مورد بررسی قرار دهند که به عنوان مثال می‌توان به تمایل پرداخت برای تأمین نظم عمومی، آموزش عمومی و روحیه مالیاتی اشاره کرد.^۲

۳. مالیات‌های اسلامی

مالیات‌های اسلامی بر اساس اصول و قوانین اسلامی تنظیم می‌شوند. در اسلام، مالیات‌ها نقش مهمی در تأمین منابع مالی دولت و توزیع عادلانه ثروت و درآمد دارند. برخلاف سیستم مالیاتی اغلب کشورها که بر اساس نسبت مستقیم با درآمد یا سرمایه تعیین می‌شود، مالیات‌های اسلامی بر اساس مبانی شرعی مانند زکات و خمس تنظیم می‌شوند.

ویژگی‌های مالیات‌های اسلامی عبارتند از:

۱. عدالت اجتماعی:

مالیات‌های اسلامی به منظور توزیع عادلانه ثروت و درآمد بین اعضای جامعه برنامه‌ریزی می‌شوند. بر اساس اصول اسلامی، افراد ثروتمند به طور معقول مسئولیت بیشتری در پرداخت مالیات دارند تا به افراد نیازمند و جامعه به طور کلی کمک شود.^۳ در حقیقت مالیات‌های اسلامی با هدف ایجاد توازن اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها بین افراد طراحی می‌شوند.^۴ در این سیستم، نیازمندان و ضعیف‌ترین اقشار جامعه معافیت‌های مالیاتی دریافت می‌کنند و افراد با درآمد بالاتر می‌بایست مبلغ بیشتری از درآمدهای خود را به عنوان مالیات پرداخت کنند.

۱. (اسمیت و استالنز، ۱۹۹۱).

۲. (هیون، ۲۰۰۵).

۳. (نظری و همکاران، ۱۳۹۰؛ موسوی جهرمی، ۱۳۸۱).

۴. (موسائی، ۱۴۰۱).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

۲. توزیع منابع:

مالیات‌های اسلامی برای تأمین منابع مالی دولت استفاده می‌شوند تا به توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه کمک کنند.^۱ این منابع می‌توانند برای ساخت بنیان‌های زیرساختی، ارتقاء سلامت و آموزش، کمک به افراد نیازمند و سایر اهداف عمومی استفاده شوند.^۲

۳. اولویت‌بندی نیازها:

مالیات‌های اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شوند که به اولویت‌بندی نیازهای جامعه پاسخ دهند. به عنوان مثال، زکات، به طور مستقیم به افراد نیازمند و محروم کمک اختصاص پیدا می‌کند.^۳ به بیان دیگر در اقتصاد اسلامی، اولویت‌بندی نیازها در اخذ مالیات‌ها یک موضوع مهم به‌شمار می‌رود. اقتصاد اسلامی بر اصول و مفاهیم اخلاقی و عدالت اجتماعی تأکید دارد و تمرکز بر توزیع عادلانه ثروت و ایجاد تعادل در جامعه به عنوان یک اصل کلیدی به‌شمار می‌رود. اولویت‌بندی نیازها در اخذ مالیات‌ها در اقتصاد اسلامی با توجه به مؤلفه‌هایی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی که در ادامه ذکر می‌شود اشاره کرد:

الف: اصل عدالت مالی:

در اقتصاد اسلامی، اصل عدالت مالی یکی از اصول اساسی است. این اصل بیان می‌کند که مالیات‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شوند که بار مالیاتی به نسبت به درآمد و ثروت افراد عادلانه باشد. این اصل به معنای توزیع منصفانه بار مالیاتی بین اقشار مختلف جامعه است.

ب. رفع نیازهای اساسی:

۱. (سیفی‌پور و رضایی، ۱۳۹۰).

۲. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰).

۳. (علیزاده، ۱۴۰۱).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

اولویت اول در مالیات‌های اقتصاد اسلامی، رفع نیازهای اساسی افراد ضعیف و نیازمند جامعه‌ی اسلامی است. این هدف شامل تأمین نیازهای غذایی، مسکن، بهداشت، تحصیل و سایر نیازهای اساسی مردم می‌شود.

ج. توزیع عادلانه ثروت:

مالیات‌ها در اقتصاد اسلامی می‌تواند به منظور توزیع عادلانه ثروت و کاهش تفاوت‌های اقتصادی در جامعه استفاده شود. از طریق مالیات‌ها، ثروتمندان می‌توانند نقدینگی بیشتری را به عنوان کمک به افراد نیازمند ارائه دهند.

د. تشویق به تولید و سرمایه‌گذاری:

اصلی دیگر در اولویت‌بندی مالیات‌ها در اقتصاد اسلامی، تشویق به تولید و سرمایه‌گذاری است. با کاهش مالیات‌ها برای بخش‌های تولیدی و کسب و کارها، میزان سرمایه‌گذاری و اشتغال در جامعه می‌تواند افزایش پیدا کند.

ه. مدیریتی مبتنی بر اقتصاد اسلامی:

در اقتصاد اسلامی، مفاهیمی مانند زکات و خمس نیز به عنوان ابزارهایی برای رفع نیازها و توزیع عادلانه ثروت به کار گرفته می‌شوند. این اصول نیز در اولویت‌بندی نیازها در مالیات‌های اقتصاد اسلامی نقش موثری ایفا می‌کنند.

۴. عدم تبعیض:

مالیات‌های اسلامی باید به گونه‌ای باشند که عدم تبعیض در برخورد با افراد داشته باشند (نورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹). در حقیقت هیچ کس نباید از پرداخت مالیات معاف شود و همه افراد باید به منظور تأمین



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

هزینه‌های عمومی و توسعه جامعه مشارکت کنند.^۱

۵. شفافیت:

مالیات‌های اسلامی باید به صورت شفاف و بدون هیچگونه تبعیض در برخورد با افراد و شرکت‌ها اجرا شوند.^۲ دولت باید از منابع مالیاتی به نحو مطلوب استفاده کند و این استفاده را به جامعه گزارش دهد؛^۳ به‌علاوه اسلام تأکید می‌کند که فرآیند جمع‌آوری مالیات و تخصیص آن به نیازمندان و اهداف عمومی با شفافیت انجام شود. این شفافیت در جمع‌آوری و استفاده از مالیات‌ها، می‌تواند اعتماد عمومی را در قوانین مالیاتی تقویت کند.

۶. آزادی اقتصادی:

اسلام به آزادی اقتصادی اهمیت می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که مالیات‌ها و احکام مالی دیگر اقتصاد را به‌عنوان وسیله‌ای مورد بهره‌برداری شخصی قرار دهند؛^۴ در حقیقت اسلام به تشویق تجارت و تولید و کاهش مداخله دولت در امور اقتصادی تا حد امکان و افزایش نظارت او تأکید دارد.

۷. عدم اختلاط مالیات با سوء استفاده:

اسلام مخالف استفاده از سود به عنوان مبنای محاسبه مالیات‌ها است. در نظام مالیاتی اسلام، مالیات‌ها بر اساس درآمد و یا ارزش مال یا معاملات تعیین می‌شوند و از سوء استفاده به عنوان معیار مالیاتی خودداری می‌شود.^۵

۸. محدودیت مالیات‌های بی‌رویه:

۱. (جلالی و همکاران، ۱۴۰۱).
۲. (رسولی و همکاران، ۱۴۰۱).
۳. (گل‌اله، ۱۳۹۷؛ عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳؛ طالب‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰).
۴. (مهدی‌زاده‌راینی، ۱۴۰۱؛ هاشمی، ۱۳۹۶).
۵. (مهدوی‌خو و مهدوی‌خو، ۱۳۹۴؛ خالد الغفوری، ۱۳۹۲).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

اسلام به حفظ حقوق مالکیت خصوصی و اجتناب از افزایش ناعادلانه مالیات‌ها تا حد امکان تأکید دارد.^۱ از طرف دیگر، در موارد اسلامی، مالیات‌ها به نحوی طراحی می‌شوند که اقتصاد کشور تحت بار مالیاتی بیش از حد گرفتار نشده و رشد اقتصادی را مختل نگردد. در حقیقت مالیات‌های اسلامی بر اساس اصول اخلاقی و اجتماعی اسلامی طراحی می‌شوند تا به توازن اقتصادی و اجتماعی در جامعه کمک کنند. به طور کلی، مالیات‌های اسلامی بر اساس اصول اقتصادی و اجتماعی اسلام طراحی می‌شوند تا عدالت اجتماعی را حفظ کرده و توازن بین حقوق افراد و نیازهای جامعه برقرار گردد.

ویژگی مالیات‌های اسلامی از این امکان برخوردار است تا توجه به آن‌ها در امر سیاست‌گذاری مالیاتی؛ دریافت مالیات‌ها برای سیستم اقتصادی کشور را سهل‌تر کند. به‌عنوان نمونه توجه به عدم تبعیض در دریافت‌های مالیاتی توسط کارگزاران، این انگیزه را در مودیان ایجاد می‌کند تا مالیات‌های خویش را به موقع پرداخت کنند چرا که درک می‌کنند تمامی افرادی که باید مالیات پرداخت کنند مشمول قوانین مالیاتی شده و از آنان نیز مالیات دریافت شده است.

۳-۱. تفاوت مالیات‌های اسلامی با مالیات‌ها در اقتصاد متعارف

در رویکرد اسلامی تفاوت‌های متفاوت ماهوی، روشی و محتوایی میان سیاست‌های مالیاتی در اسلام و سیاست‌های مالیاتی در اقتصاد متعارف وجود دارد، برخی از این تفاوت‌ها را می‌توان با توجه به مؤلفه‌های زیر مورد بررسی قرار داد.

۱. مالیات اسلامی مالیاتی عبادی است؛ اما مالیات متعارف به موجب قانون بوده و همانند مالیات اسلامی وظیفه دینی تلقی نمی‌شود؛ انسان اقتصادی با کردار دینی فرار مالیات اسلامی را نوعی گناه می‌داند؛ اما فرار مالیاتی در مالیات متعارف، فقط نوعی تخلف قانونی محسوب می‌شود.

۱. (بخردی‌نسب و ژولانژاد، ۱۳۹۸؛ غفاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ علم‌الهدی، ۱۳۹۵؛ ناجی‌میدانی و همکاران، ۱۳۹۲)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

۲. مهم‌ترین هدف مالیات اسلامی با توجه به مصارف آن (خصوصاً زکات و خمس) به جهت رفاه، عدالت و رفع فقر است و بیشتر به دنبال فقرزدایی در جامعه و توازن در مصرف است؛ ولی مالیات اسلامی را نمی‌توان به عنوان ابزار سیاست تثبیتی و تخصیصی استفاده نمود.

۳. درآمد مالیاتی زکات در تولیدات کشاورزی و دامی به صورت کالایی است (براساس مقدار کالا) و به شکل کالایی توزیع می‌شود؛ بر همین اساس مالیات اثری بر تقاضای کل و آثار منفی مانند تورم بر اقتصاد ندارد. در صورتی که مالیات متعارف در اجزای مختلف مانند مالیات در مصرف کالا (مالیات فروش، یا مالیات واحد) بار مالیاتی و زیان اجتماعی ایجاد می‌کند و بر سطح درآمد، هزینه بنگاه، انتخاب خانوار اثرگذار بوده و تورم و کاهش رفاه را به دنبال دارد.

۴. در اقتصاد سنتی برای تسریع بهبود توزیع درآمد مالیات‌های تصاعدی پیشنهاد می‌شود در صورتی در عمل مشاهده شده نظام مالیاتی تصاعدی قانونی به ندرت منتج به نظام‌های تصاعدی موثر شده‌اند و اغلب به خاطر تفاوت در برخورداری از امکان فرار در بین گروه‌های پرداخت‌کننده مالیاتی منجر به نابرابری‌های افقی اساسی شده‌اند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد اثر توزیعی مالیات‌های اسلامی نسبت به مالیات‌های متعارف بیشتر می‌باشد و مالیات‌های اسلامی علی‌رغم دارا بودن نرخ یکنواخت به واسطه معافیت‌های در نظر گرفته شده مالیات‌های تصاعدی با نرخ تصاعد ملایم می‌باشند.^۱

۵. در مالیات اسلامی لازم نیست که مالیات به دولت پرداخت شود بلکه شخص پرداخت‌کننده جایز است که (با اجازه حاکم شرع یا مرجع تقلید) در مصارف یادشده خرج کند؛ اما در صورتی که حاکم اسلامی دستور دریافت زکات را صادر کند، بر همه مؤدیان واجب است که آن را به دولت پرداخت کنند؛ اما در مالیات‌های

۱. (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

متعارف، جمع‌آوری مالیات و مصرف آن، جزء اختیارات دولت است.^۱

مالیات‌های اسلامی و مالیات‌های اقتصاد متعارف در بسیاری از جوانب با یکدیگر متفاوت هستند. در حقیقت این دو نوع از مالیات‌ها در اصول و رویه‌های خود دارای تفاوت‌هایی هستند. این تفاوت‌ها از نظر مبنای، محتوا، اهداف و سیاست‌های اقتصادی قابل بحث و بررسی هستند. در ادامه، تفاوت‌های اساسی بین این دو نوع مالیات‌ها مورد بررسی می‌گیرد:

۱. مبنای مالیات:

- اسلام: مالیات‌های اسلامی بر اساس اصول و مقررات شریعت اسلام (شریعت اسلامی یا قوانین اسلامی) تنظیم می‌شوند. مالیات‌های اسلامی باید با مبانی اخلاقی و عدالت اجتماعی مطابقت داشته باشند. به بیان دیگر اسلام به عنوان یک دین جهان‌شمول و اجتماعی، نظامی اقتصادی اجتماعی نیز دارد و مبنای مالیات‌های اسلامی نیز بر اساس آموزه‌ها و اصول اسلامی استوار می‌شود. مالیات‌های اسلامی نیز در این راستا بر اساس همین مبانی و اصول تنظیم می‌شوند.

- اقتصاد متعارف: مالیات‌های اقتصاد متعارف به عنوان بخشی از سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها بر اساس نظریات اقتصادی مختلف و شئون اجتماعی تنظیم می‌شوند. اغلب بر اساس نظریه‌ها و مدل‌های اقتصادی معاصر شکل می‌گیرند. در حقیقت در اقتصاد متعارف، مبنای محاسبه مالیات‌ها بر اساس درآمد، سود، مصرف، یا دارایی‌های افراد و شرکت‌ها محاسبه می‌شود.

۲. ماهیت مالیات:

- اسلام: مالیات‌های اسلامی معمولاً به عنوان جزئی از تعهدات اجتماعی اسلامی و به منظور تامین نیازهای اجتماعی افراد به ویژه آسیب‌دیدگان و نیازمندان گرفته می‌شوند. این مالیات‌ها با اهدافی همچون:

۱. (پورفرج و انصاری سامی، ۱۳۹۰).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

تحقق عدالت اجتماعی، توازن اقتصادی و توسعه پایدار مطرح هستند. در حقیقت هدف اصلی مالیات‌ها در اسلام، اجرای اصول عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار ضعیف جامعه می‌باشد. به‌علاوه مالیات‌های اسلامی به عنوان یکی از راهکارهای تعادل اجتماعی در اقتصاد اسلامی مطرح می‌شوند.

- **اقتصاد متعارف:** مالیات‌های مطرح در اقتصاد متعارف عموماً به عنوان ابزارهایی برای جمع‌آوری منابع مالی برای دولت و به منظور تأمین بودجه عمومی و پروژه‌های دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. هدف‌های مختلفی می‌تواند محرک چنین سیاست‌هایی باشد، که از جمله آن‌ها می‌توان به تنظیم‌گری نرخ بهینه تورم، رشد اقتصادی و تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها اشاره کرد؛ همچنان‌که هدف اصلی این نوع مالیات‌ها معمولاً تأمین منابع مالی برای دولت و اجرای سیاست‌های عمومی اقتصادی و اجتماعی است.

۳. نوع تجارت و سوددهی:

- **اسلام:** در اسلام، فعالیت‌های مالی و اقتصادی باید با مقررات اسلامی سازگار باشند. به طور معمول، فعالیت‌های حرام مانند معاملات ربوی (استفاده از ربا در معاملات) مورد تأکید قرار نمی‌گیرد و ممکن است به عنوان مالیات قابل پرداخت نباشند.

- **اقتصاد متعارف:** در اقتصاد متعارف، بیشتر تجارت‌ها و فعالیت‌های مالی بر اساس قوانین تجاری و مالی غیراسلامی صورت می‌گیرد. معاملات ربوی، سود بانکی، سهام‌داری، و معاملات مالی دیگر به عنوان قسمتی از فعالیت‌های اقتصادی و مالی معمولاً قابل مالیات‌گذاری هستند.^۱

۴. عدالت مالیاتی:

- **مالیات‌های اقتصاد متعارف:** در این نوع مالیات‌ها، توزیع بار مالیاتی بر اساس سطح درآمد یا دارایی افراد صورت می‌گیرد. این مالیات‌ها می‌تواند باعث نابرابری در توزیع درآمد شود.

۱. (نظری و همکاران، ۱۳۹۰).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

- مالیات‌های اسلامی: یکی از اهداف مالیات‌های اسلامی دنبال کردن تعادل اجتماعی می‌باشد و در این نوع مالیات‌ها توزیع بار مالیاتی به نحوی است که لایه‌های ضعیف‌تر جامعه، مانند فقرا و نیازمندان، تحت بار سنگینی قرار نمی‌گیرند. به عنوان مثال، زکات به عنوان یکی از اصول اساسی مالیات‌های اسلامی به نیازمندان تعلق می‌گیرد و باعث اجرایی شدن عدالت مالیاتی می‌گردد.

۵. نحوه محاسبه مالیات:

- اسلام: در مالیات‌های اسلامی، از نظام‌های متفاوتی برای محاسبه مالیات‌ها استفاده می‌شود. به عنوان مثال، مالیات‌های زکات و خمس به ترتیب به نسبت دارایی‌ها و درآمدها محاسبه می‌شوند.

- اقتصاد متعارف: معمولاً در مالیات‌های اقتصاد متعارف، از نرخ ثابت مالیات بر اساس مقدار درآمد یا دارایی استفاده می‌شود. نرخ‌های مالیاتی در این نوع مالیات‌ستانی بر اساس بازه‌های درآمدی متفاوت تغییر می‌کنند.

۶. اجباری بودن:

- مالیات‌های اسلامی: اسلام، تأکیدی بر طبیعت داوطلبانه مالیات‌ها دارد و اصول اسلامی ترجیح می‌دهد که مالیات‌ها به صورت داوطلبانه انجام شود. بنابراین، زکات به عنوان یکی از اصول مالیات‌های اسلامی، تأکید بر داوطلبانه بودن پرداخت آن دارد.

- مالیات‌های اقتصاد متعارف: مالیات‌های اقتصاد متعارف معمولاً اجباری بوده و مالیات‌دهندگان می‌بایست طبق قوانین مالیاتی پرداخت‌های خود را انجام دهند.

بنابراین، مالیات‌های اسلامی با تأکید بر اصول اخلاقی اسلامی و تامین نیازهای اجتماعی تفاوت‌های زیادی با مالیات‌های اقتصاد متعارف دارند که به طور عمده بر اساس نظریات اقتصادی معاصر و مدل‌های اقتصادی تنظیم می‌شوند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهند که مالیات‌های اسلامی به هدف‌های اقتصادی و اجتماعی اسلامی نزدیک‌تر هستند و تمایل به توجه به جنبه‌های عدالت اجتماعی در این نوع مالیات‌ستانی



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

برجسته‌تر است. در حالی که مالیات‌های اقتصاد متعارف معمولاً بر اساس سیاست‌هایی همچون: اهداف اقتصادی عمومی و تأمین منابع مالی برای دولت، طراحی می‌شوند.

۴. مؤلفه‌های مالیات‌های اسلامی

مالیات‌های اسلامی مبتنی بر مفهوم شریعت و قوانین اسلامی است. در اسلام، مالیات به عنوان یک وظیفه اجتماعی محسوب می‌شود و به مؤمنان مسلمان توصیه می‌شود که از درآمد خود به مقدار معینی به عنوان مالیات پرداخت کنند. در پرداخت مالیات‌های اسلامی، توزیع عادلانه‌ی ثروت و تحقق عدالت اجتماعی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. در حقیقت مالیات اسلامی حقی معلوم است که قانون‌گذار اسلامی، بر دارایی افراد واجب کرده است. این حق به صورت نقدی و غیر نقدی بنا به شروط معین و با تکیه بر دستورالمعمل‌های مالی دریافت می‌شود و هر فرد چه در حمایت دولت اسلامی و یا خارج از این محدوده باشد، مکلف به پرداخت حقی است که بر ذمه دارد. در رویکرد اسلامی، مالیات به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی شناخته شده و موارد زیر را شامل می‌شود:

۴-۱. مالیات‌های ثابت

مالیات‌هایی است که بر حسب تشریع اولی و مستقیماً از طرف شارع وضع شده‌اند و مورد و مقدار و یا نسبت خاصی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است.^۱ این مالیات‌ها شامل موارد زیر است.

۴-۱-۱. زکات:

زکات از واجبات مالی در دین اسلام است که بر اساس آن، مسلمانان باید مقدار معینی از ۹ قلم کالا را برای مصرف در زندگی فقرا و سایر امور عمومی اجتماعی بپردازند. این ۹ کالا عبارتند از نقدین (طلا و نقره)، انعام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر) و غلات اربعه (گندم، جو، کشمش و خرما). مقدار پرداختی هر یک از

۱. (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۵۳).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

این کالاها متفاوت بوده و در فقه تعیین شده است. زکات از جمله مهم‌ترین واجبات است و تأکید بسیاری بر آن شده است. به علاوه زکات از فروع دین شمرده شده و در منابع دینی در کنار نماز و جهاد قرار گرفته و یکی از پنج ستون دین است. در ۵۹ آیه قرآن و حدود ۲۰۰۰ روایت به زکات اشاره شده است. در قرآن در بسیاری از موارد از واژه صدقه برای اشاره به زکات استفاده شده است و در فقه، زکات را صدقه واجب می‌خوانند.

زکات دو نوع دارد:

- زکات بدن: که همان زکات فطره است و در عید فطر پرداخت می‌شود.
 - و زکات مال: که به غلات چهارگانه، دام‌ها و سکه‌ها با شرایط خاصی تعلق می‌گیرد. وجوب زکات از ضروریات دین اسلام و مورد اتفاق همه مسلمانان است و انکار وجوب آن موجب ارتداد خواهد شد.^۱ زکات از عبادات به‌شمار می‌رود، از این رو، نیت (قصد قربت) در آن شرط است.^۲
- از آیات مختلف قرآن از جمله آیه ۱۵۶ سوره اعراف، ۳ سوره نمل، ۴ سوره لقمان، و آیه ۷ سوره فصلت که همه از سوره‌های مکی هستند، چنین استفاده می‌شود که: حکم وجوب زکات در مکه نازل شده است، و مسلمانان موظف به انجام این وظیفه اسلامی بودند؛ ولی هنگامی که پیامبر (ص) به مدینه مهاجرت کرد و پایه حکومت اسلامی را گذارد از طرف خداوند مأموریت یافت که زکات را شخصاً از مردم بگیرد - نه این که خودشان به میل و نظر خود، در مصارف آن صرف کنند -. آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً...» (توبه، آیه ۳۳) در این هنگام نازل شد. مشهور این است که نزول این آیه در سال دوم هجرت بود و سپس مصارف زکات به طور دقیق در آیه ۶۰ سوره توبه بیان گردیده است.^۳

۱. (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۱۵).

۲. (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۴۷۱).

۳. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

۴-۱-۲. خمس:

خمس به‌عنوان یکی از انواع مالیات‌های اسلامی بشمار می‌رود که به منظور رفع مشکلات مالی امت اسلامی و تقویت بنیه مالی حکومت اسلامی و در جهت رفع نیازهای امت اسلامی وضع شده است. قرآن کریم در سوره انفال آیه ۴۱ می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقْيِ الْجُمُعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی (حق از باطل) روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیزی تواناست. خمس از موضوعات مهم فقه اسلامی و به طور خاص فقه امامیه است. محاسبه و پرداخت خمس از تکالیفی است که شیعیان در طول زندگی به آن عنایتی ویژه دارند. نیمی از خمس به سادات فقیر اختصاص دارد و نیم دیگر به عنوان سهم امام در دوران غیبت امام زمان توسط مراجع تقلید در اموری که با توجه به تاریخ زندگی اهل بیت (ع) مورد مصرف خمس تشخیص می‌دهند، هزینه می‌گردد.

۴-۱-۳. جزیه:

جزیه عربی شده گزیت (گزید) فارسی است.^۱ که به معنای مالیات سرانه به کار می‌رفته است. گزیت یا سرگزیت، مالیات نقدی بود که ساسانیان، پیش از اسلام از یهود و نصاری می‌گرفتند.^۲ اصل واژه عبری یا آرامی بوده است و از گزیتا به معنی جدایی گرفته شده است. مبلغ جزیه به عنوان مالیات دریافت می‌شود و نشانه‌ی وفاداری غیرمسلمانان نسبت به دولت اسلامی است. آیه شریفه ۲۹ سوره توبه در قرآن کریم به

۱. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۲۴).

۲. (نفیسی، ۱۳۹۰، ص ۳۸).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

مسلمانان چنین امر می‌کند که اهل کتاب در قلمرو اسلامی باید جزیه بپردازند.^۱ در حقیقت جهاد و دفاع از دولت اسلامی بر مسلمانان واجب است و بر غیرمسلمانان که در حمایت دولت اسلامی زندگی می‌کنند در عوض این حمایت‌ها جزیه واجب شده است. کودکان، زنان، پیرمردان و نابینایان از پرداخت جزیه معاف‌اند. مقدار جزیه نیز بستگی به صلاح‌دید حاکم اسلامی و رعایت حال پرداخت‌کنندگان دارد. دولت می‌تواند اهل ذمه را از دید درآمد و ثروت طبقه‌بندی کند و بر اساس توان پرداخت آنان سالانه مبلغی را مقرر کند. کم و زیادکردن این مقدار نیز بستگی به دیدگاه دولت اسلامی دارد. در صدر اسلام مقدار جزیه از یک تا سه دینار در سال متغیر بود. گرفتن جزیه، به تصریح قرآن و سنت، نه تنها مشروع، بلکه واجب است و در زمان رسول خدا (ص) و پس از ایشان از اهل کتاب دریافت می‌شد. آنان در قلمرو حکومت اسلامی بین سه امر مخیر بودند: پذیرش اسلام، جنگ و التزام به شرایط ذمه. با پذیرش امر سوم، موظف به پرداخت جزیه بودند.

پیش از اسلام شماری از فقها و مؤلفان توضیح داده‌اند که با توجه به تداول جزیه پیش از اسلام، حکم آن در فقه اسلامی، از احکام امضایی است.^۲ برخی تشابه نظام جزیه را در اسلام با نظام‌های مالیاتی پیش از آن فقط تشابه صوری و آن‌ها را از نظر ماهیت و آثار کاملاً متباین دانسته‌اند.^۳ بنا بر منابع تاریخی، در بیشتر موارد مردم سیادت مسلمانان و حکومت آن‌ها را به آسانی می‌پذیرفتند، چون جزیه‌ای که مسلمانان می‌گرفتند بسیار کم بود و از طرفی آنان با اقوام مغلوب به عدالت رفتار می‌کردند.^۴ حتی گاهی حکومت اسلامی آنان

۱. قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ (۲۹) با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و پیامبرش حرام کرده‌اند، حرام نمی‌شمارند، و دین حق را نمی‌پذیرند، بجنگید تا با دست خود در حالی که [نسبت به احکام دولت اسلامی] متواضع و فروتن‌اند، جزیه بپردازند.

۲. (ابن‌قیم جوزیه، ۱۳۷۹).

۳. (عمید، ۱۳۸۰).

۴. (لویون، ۱۳۴۷).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

را از پرداخت جزیه معاف می‌کرد یا در میزان آن تخفیف می‌داد.^۱ دریافت جزیه در اسلام، مقارن با نخستین سال‌های ظهور دین اسلام و دوران زمامداری پیامبر (ص) آغاز شد، لذا در کتاب‌های فقهی، در بابی که به جهاد اختصاص دارد، از جزیه بحث شده است.

۴-۲. مالیات‌های متغیر

مالیات‌هایی هستند که حاکم اسلامی در موارد و شرایط خاصی وضع نموده و از طرف شارع مقدس، مقدار و نسبت خاصی برای آن‌ها در شرع مقدس در نظر گرفته نشده است؛ بلکه تابع هزینه‌های ضروری و یا مطابق مصلحتی است که حاکم اسلامی در نظر دارد.^۲ به عبارت دیگر مالیات متغیر، ابزاری است که در شرایط متحول، به حاکم اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن، مشکلات برطرف گردد و در مواردی که هماهنگ و همسو با حرکت نظام اسلامی است، به کار گرفته شود.^۳ این مالیات‌ها که تحت عنوان مالیات‌های حکومتی نام برده می‌شوند، بسیار محدود بوده و سهم ناچیزی را در بر می‌گیرد. اخذ مالیات‌هایی تحت عنوان زکات مال‌التجاره در زمان پیامبر (ص) و برخی خلفا، وضع مالیات بر اسب‌ها در زمان حضرت علی (ع) از جمله مالیات‌های حکومتی هستند.^۴

۴-۳. شبه مالیات‌ها

در اسلام پرداخت‌های مالی دیگری نیز وجود دارد که جنبه مالیاتی ندارند؛ به این معنی که یا به‌طور معمول به وسیله دولت دریافت و هزینه نمی‌شوند و یا پرداخت‌هایی هستند که براساس الزام و قانون انجام نمی‌گیرد. بنابراین یکی از دو مشخصه اساسی که مالیات‌ها دارند در این گونه پرداخت‌ها وجود ندارد؛ ولی در عین حال از

۱. (محمد، ۱۳۶۵).

۲. (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۸۳).

۳. (لشکری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷).

۴. (غفاری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

نظر عملکرد و نتیجه شباهت‌های فراوانی با مالیات دارند. البته برخی به‌صورت وجوبی و برخی به‌صورت مستحبی انجام می‌گیرد. پرداخت کفارات مالی، نذورات مالی و هدی، شبه‌مالیات‌های واجب هستند؛ اما صدقه، اطعام، بخشش، دین، وقف و هبه مستحب هستند.^۱

۵. الزامات مطالعات رفتاری در راستای تمکین مالیاتی

سیاست‌گذاری مالیاتی فرآیند پیچیده‌ای است که مستلزم درک عمیق رفتار انسان و تأثیر آن بر تبعیت مالیات‌دهندگان از قوانین مالیاتی است. در این زمینه مدل‌های اقتصادی سنتی عمدتاً تصمیمات سیاست مالیاتی را هدایت می‌کنند. با این حال، ظهور اقتصاد رفتاری بیش‌های ارزشمندی را در مورد عوامل شناختی و روانشناختی که تصمیمات مربوط به مالیات افراد را شکل می‌دهد، ارائه کرده است. هدف از بررسی این ادبیات موجود، پتانسیل بالقوه تحقیقات موجود در استفاده از مطالعات رفتاری برای بهبود سیاست‌گذاری مالیاتی و شناسایی قابلیت‌ها و محدودیت‌های این رویکرد در اقتصاد ایران است، در این ارتباط در ادامه به بررسی این عوامل پرداخته شده است.

۵-۱. مدل‌های اقتصادی سنتی

مدل‌های اقتصادی سنتی، مانند نظریه انتخاب منطقی، فرض می‌کنند که افراد تصمیم‌گیرندگان منطقی، علاقه‌مند و کاملاً آگاه هستند. این مدل‌ها تا حد زیادی سیاست‌های مالیاتی را بر اساس مفروضات انطباق کامل با قوانین مالیاتی و رفتار منطقی شکل داده‌اند. تصور اشتباه در ارتباط با اقتصاد رفتاری این مسئله است که این موضوع در مورد کنترل رفتار مردم است، اما در حقیقت این‌طور نیست. اقتصاد رفتاری در مورد درک اشتباهات رایج تصمیم‌گیری است که افراد مرتکب می‌شوند و این که چرا افراد این اعمال را مرتکب می‌شوند. به ویژه، جنبه بزرگی از اقتصاد رفتاری به شکاف بین قصد و عمل مربوط می‌شود. به عنوان مثال، افراد ممکن

۱. (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۸۳).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

است قصد داشته باشند مقدار زیادی برای بازنشستگی پس‌انداز کنند، اما اتفاقاتی رخ می‌دهد و در نتیجه هرگز نمی‌توانند اقدامی در این زمینه انجام دهند.

یکی دیگر از تصورات غلط این حقیقت است که اقتصاد رفتاری در مورد غیرمنطقی بودن افراد بحث و بررسی انجام می‌دهد. این تصور غلط از این واقعیت ناشی شده است که نظریه اقتصاد سنتی همه مردم را منطقی فرض می‌کند، در حالی که اقتصاد رفتاری این فرض را ندارد. اذعان به اینکه مردم همیشه کاملاً منطقی نیستند به این معنی نیست که آن‌ها غیرمنطقی یا دیوانه هستند. این مسئله تنها به این معنی است که مردم اشتباهات سیستماتیک انجام می‌دهند و همیشه انتخاب‌هایی انجام نمی‌دهند که به طور مداوم شادی یا موفقیت خود را به حداکثر برسانند.

در نتیجه می‌توان این گونه بیان کرد که نظریه اقتصادی سنتی بر سه فرض اساسی استوار است:

- (۱) همه مردم منطقی هستند و بر این اساس عمل می‌کنند،
- (۲) انتخاب‌های فردی با نظریه مطلوبیت مورد انتظار سازگار است،
- (۳) افراد بر اساس اطلاعات جدیدی که دریافت می‌کنند، نظرات و باورهای خود را به درستی به روزرسانی می‌کنند. با این حال، این فرضیات همیشه در دنیای واقعی صادق نیستند. کانمن و تورسکی^۱ در مقاله‌ای، با بیان اینکه پدیده‌های روانی بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند و باید در مدل‌های اقتصادی و مالی گنجانده شوند، پایه‌های اقتصاد رفتاری را بنا نهادند. به طور خاص، پدیده‌های روان‌شناختی مانند سوگیری‌ها، اکتشافات، و اثرات کادربندی باید در این مدل‌ها گنجانده شوند. دو اصل اساسی اقتصاد رفتاری عبارتند از:
 - (۱) افراد به دلیل نقاط کور روانشناختی که اکثر مردم دارند اشتباهات سیستماتیک انجام می‌دهند.
 - (۲) زمینه‌ای که در آن تصمیم‌گیری می‌شود تأثیر زیادی بر تصمیم‌گیری افراد دارد.



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

۵-۲. اقتصاد رفتاری و مفروضات مدل‌های سنتی

اقتصاد رفتاری مفروضات مدل‌های سنتی را با ترکیب بیش‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی برای درک بهتر تصمیم‌گیری در دنیای واقعی به چالش می‌کشد. این گرایش از اقتصاد تشخیص می‌دهد که افراد اغلب به دلیل سوگیری‌های شناختی، اکتشافی، هنجارهای اجتماعی و تأثیرات عاطفی از عقلانیت منحرف می‌شوند. در حقیقت اقتصاد رفتاری عناصر اقتصاد و روان‌شناسی را با هم ترکیب می‌کند تا بفهمد چگونه و چرا مردم در دنیای واقعی رفتار می‌کنند. البته این موضوع با آموزه‌های اقتصاد نئوکلاسیک متفاوت است، که فرض می‌کند اکثر مردم ترجیحات کاملاً تعریف شده‌ای دارند و بر اساس آن ترجیحات تصمیمات آگاهانه در راستای منفعت شخصی می‌گیرند. اقتصاد رفتاری که بر اساس کار میدانی محقق و برنده جایزه نوبل، ریچارد تالر شکل گرفته است، تفاوت‌های بین آنچه مردم باید انجام دهند و آنچه در واقع انجام می‌دهند و پیامدهای آن اعمال را بررسی می‌کند.

البته اقتصاد رفتاری مبتنی بر مشاهدات تجربی رفتار انسان نیز می‌شود، که نشان می‌دهد مردم همیشه آنچه را که اقتصاددانان نئوکلاسیک تصمیم «عقلانی» یا «بهینه» می‌دانند، نمی‌گیرند، حتی اگر اطلاعات و ابزارهای موجود برای انجام آن را نیز داشته باشند. به عنوان مثال، چرا مردم اغلب از سرمایه‌گذاری بر روی برخی سهام‌ها یا ورزش کردن اجتناب می‌کنند یا آن را به تعویق می‌اندازند، حتی اگر بدانند انجام این کارها به نفعشان است؟ و چرا قماربازان اغلب پس از برد و باخت ریسک بیشتری می‌کنند، حتی اگر شانس‌ها بدون در نظر گرفتن منفعت در این زمینه ثابت بماند؟ حوزه اقتصاد رفتاری با طرح پرسش‌هایی از این دست و شناسایی پاسخ‌ها از طریق آزمایش، افراد را انسان‌هایی می‌داند که در معرض احساسات و کنش‌هایی هستند و تحت تأثیر محیط و شرایط خود قرار دارند، و با توجه به همین شرایط تصمیم‌گیری می‌کنند.

این توصیف در تضاد با مدل‌های اقتصادی سنتی است که با مردم به‌عنوان بازیگرانی کاملاً منطقی برخورد



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

می‌کند - که فرض را بر این اساس قرار داده است که افراد کنترل خود را کامل حفظ کرده و هرگز اهداف بلندمدت خود را فراموش نمی‌کنند - یا افرادی که گه‌گاه مرتکب خطاهای تصادفی می‌شوند که در درازمدت آن‌ها را خنثی می‌کنند. چندین اصل از تحقیقات اقتصاد رفتاری پدید آمده است که به اقتصاددانان کمک کرده تا رفتار اقتصادی انسان را بهتر درک کنند. از این اصول، دولت‌ها و کسب و کارها چارچوب‌های سیاستی را برای تشویق مردم به انتخاب‌های خاص از جمله در حوزه سیاست‌گذاری مالیاتی ایجاد کرده‌اند.

۶. دلالت‌های مطالعات رفتاری در تمکین مالیاتی

گسترش و توسعه هر جامعه‌ای بدون تأمین منابع مالی مطلوب به‌سختی امکان‌پذیر است. در این راستا، مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین منابع مالی دولت‌ها و نهادهای عمومی مطرح می‌شود. مالیات‌ها علاوه بر تأمین درآمد برای دولت، نقش مهمی در تعادل اقتصادی، توزیع عادلانه‌تر ثروت، تنظیم نرخ تورم، تعادل بودجه و حمایت از بخش‌های مستضعف جامعه ایفا می‌کنند. در راستای حفظ تعادل مالی و تمکین مالیاتی، اهمیت مطالعات رفتاری در این زمینه بیش از پیش مشخص می‌شود. مطالعات رفتاری با رویکرد مشاهده و تحلیل عملکرد انسان‌ها در شرایط و مواجهه‌های مختلف، الگوهای رفتاری و عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری آن‌ها را به‌صورت علمی مورد بررسی قرار می‌دهند. دلالت‌های مطالعات رفتاری در تمکین مالیاتی به‌منظور درک و تحلیل صحیح سیاست‌گذار اقتصادی دارای ابعاد مختلفی است که در ادامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۶-۱. اثر قالب‌بندی

تحقیقات نشان داده است که نحوه ارائه یا چارچوب‌بندی سیاست‌های مالیاتی به طور قابل توجهی بر رفتار مالیات‌دهندگان تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، مطالعات نشان داده است که افراد زمانی که تمرکز سیاست‌گذار بر مزیای اجتماعی است تا مجازات‌ها یا اجرای آن مجازات‌ها، بیشتر تمایل دارند تا از تعهدات



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

مالیاتی پیروی کنند. در حقیقت در اقتصاد رفتاری، اثر چارچوب‌بندی یا قالب‌بندی به این اصل اشاره دارد که اطلاعات در دسترس افراد ثابت نیستند، بلکه سیال هستند و بر اساس نحوه، زمان و مکان ارسال، این اطلاعات می‌تواند متفاوت باشند.^۱ به عبارت دیگر، تصمیمات افراد متأثر از روشی است که در آن، انتخاب‌ها از طریق کپی رایزینگ، تصاویر، لحن، قیمت‌گذاری و مکان تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

به‌عنوان مثال مسئله ترولی یک آزمایش فکری کلاسیک در مدل‌سازی اخلاق است. این مسئله یک معضل اخلاقی در مورد یک سناریوی تخیلی است که در آن یک تماشاگر این انتخاب را دارد که با منحرف کردن چرخ دستی برای کشتن تنها ۱ نفر، ۵ نفر را که در خطر برخورد با چرخ دستی هستند، نجات دهد. در سناریوی اصلی ذکر شده در بالا، اکثر مردم تصمیم می‌گیرند ۵ نفری را که در معرض خطر هستند نجات دهند و ۱ نفر را قربانی کنند. با این حال، اگر سؤال به گونه‌ای متفاوت تنظیم شود، پاسخ همیشه واضح نیست. مثلاً اگر ۱ نفر از اعضای خانواده باشد چه؟ آیا به نجات این ۵ نفر، افراد ادامه می‌دهند؟

اصطلاح «مشکل چرخ دستی» اغلب با توجه به هر انتخابی که ظاهراً بین آنچه خوب است و فداکاری‌هایی که قابل قبول هستند، اما با یکدیگر تضاد دارند، استفاده می‌شود. یکی دیگر از نمونه‌های معروف اثر قاب‌بندی مشکل ترولی، «مشکل پیوند» نام دارد. در این سناریوی تخیلی، یک جراح با سناریویی مواجه است که در آن پنج بیمار او به پیوند نیاز دارند که هر کدام هم به عضوی متفاوت نیاز دارند و هر کدام بدون آن عضو نمی‌تواند زنده بماند. در این سناریو هیچ عضوی برای انجام هر یک از این ۵ عمل پیوند وجود ندارد. پزشک ششمین فرد را کشف می‌کند که اعضای بدنش با هر پنج بیمار در حال مرگ او سازگار است. در این حالت پزشک آیا باید ۱ نفر را بکشد تا ۵ نفر دیگر را نجات دهد؟ با اثر قاب‌بندی آن به این شکل، اکثر مردم تصمیم می‌گیرند ۱ نفر را نجات دهند. بنابراین، روشی که در آن انتخاب‌ها

۱. (تروب، ۲۰۱۲).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

چارچوب‌بندی می‌شوند، بر انتخاب‌های انجام‌شده تأثیر می‌گذارد.

۶-۲. معماری تلنگر و انتخاب

اشاره به استفاده از مداخلات رفتاری به جهت هدایت افراد به سمت رفتارهای مطلوب و البته بدون محدود کردن آزادی انتخاب آن‌ها است. به کارگیری اصول معماری انتخاب در سیاست مالیاتی می‌تواند تمکین داوطلبانه در قوانین مالیاتی را تشویق کند. مطالعات در این زمینه نشان داده‌اند که تغییرات ساده در نحوه طراحی فرم‌های مالیاتی یا ارائه اطلاعات می‌تواند به میزان قابل توجهی بر نرخ تمکین مالیاتی تأثیر بگذارد.^۱

همچنین آزمایش تلنگرها و بینش‌های رفتاری در ارتباط با مالیات‌دهندگان بخشی از جستجو برای پاسخ به این سوال است که چرا مردم به تعهدات مالیاتی خود عمل می‌کنند یا نمی‌کنند و چه زمانی این کار را انجام می‌دهند. به طور گسترده‌ای، پاسخ به این سؤال توسط علوم رفتاری، بر اساس بینش‌هایی از اقتصاد رفتاری، روان‌شناسی اجتماعی و انسان‌شناسی ارائه می‌شود، که ادعا می‌کند ماهیت پیام‌رسان و محتوا و شکل اطلاعات نیز تعیین می‌کند که آیا مالیات‌دهنده تمکین مالیاتی از خود نشان می‌دهد یا خیر. رفتار مورد نظر تکنیک‌های تلنگر، به معماری انتخاب پاسخ می‌دهند، با این هدف که به مالیات‌دهنده یک تحرک به سمت رفتار مطلوب از پیش تعیین‌شده در راستای اهداف سازمان مالیاتی و شخص مورد نظر بدهد.

به‌عنوان مثال بر اساس پژوهشی که در کشور بلژیک بوسیله یک آزمایش میدانی انجام شده است که کدام رویکردها در تشویق مالیات‌دهندگان به پرداخت سریع‌تر مؤثر هستند. در تابستان سال ۲۰۱۵، یک پروژه آزمایشی پیرامون نامه یادآوری مالیات بر درآمد شخصی (PIT) راه اندازی شد. در مورد PIT، همه شهروندان بلژیک از تعهد پرداخت نهایی خود در اعلامیه تشخیص مالیات (دریافت مالیات) مطلع شده و

۱. (اسلام و همکاران، ۲۰۲۰).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

حدود ۱/۸ میلیون شهروند در سال ملزم به پرداخت مبالغ اضافی هستند که در مجموع ۳/۶ میلیارد یورو می‌شود. این پرداخت باید ظرف دو ماه انجام شود. اگر این مبلغ قبل از موعد مقرر پرداخت نشده باشد، و هیچ توافقنامه تعویق یا ترتیب پرداخت تقسیمی توسط FPS Finance اعطا نشده باشد، یادآوری توسط سازمان مربوطه ارسال می‌شود. سالانه بیش از ۲۵۰۰۰۰ تاخیر در پرداخت مالیات وجود دارد که این یادآوری را برای PIT دریافت می‌کنند.^۱

به طور مشخص لوتس و روی (۲۰۱۹) از طریق یک کارآزمایی کنترل‌شده تصادفی (RCT) در سطح ملی، انواع مختلفی از نامه‌های یادآوری به گروه‌های متشکل از مالیات‌دهندگان به‌طور تصادفی با مالیات بر درآمد شخصی معوقه ارسال کردند که هر کدام انگیزه رفتاری متفاوتی داشتند. هدف این پروژه در کشور بلژیک تعیین این مسئله بود که کدام نوع پیام، یا کدام تلنگر، در تشویق این گروه هدف از بدهکاران به پرداخت بدهی‌های مالیاتی معوق خود موفق‌تر عمل خواهد کرد. البته این نوع آزمایش‌های میدانی که تأثیر پیام‌های مختلف در نامه‌های مربوط به مالیات را تأیید می‌کنند، اولین بار نیستند که اتفاق افتاده‌اند. پروژه‌های تحقیقاتی مشابهی در کشورهای اتریش، دانمارک، آلمان، اسرائیل، لهستان و سوئیس همگی با موفقیت نشان داده‌اند که شکل و محتوای نامه یادآوری می‌تواند تأثیر مؤثری بر رفتار مالیات‌دهندگان داشته باشد. در این زمینه، شواهد علمی روشنی در ادبیات پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه وجود دارد که یادآوری نامه‌هایی با محتوای بازدارنده، و پیام‌های مربوط به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی، می‌تواند بر رفتار مالیات‌دهندگان، حداقل در شرایط مناسب و با در نظر گرفتن شرایط خاص، تأثیر بگذارد (کتل و همکاران، ۲۰۱۶). معروف‌ترین کاربرد این پروژه‌های تحقیقاتی در انگلیس مورد بررسی قرار گرفته است، جایی که شرکت HMRC با همکاری شرکت BIT، با ترکیب پیام‌های هنجار اخلاقی (یعنی پیام‌های مربوط به هنجارهای اجتماعی و پیام‌های خدمات عمومی) به

۱. (لوتس و روی، ۲۰۱۹).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

طور قابل توجهی بر رفتار پرداخت مالیات‌دهندگان تأثیر گذاشتند.^۱ نتایج متفاوت از مطالعات دیگر را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که زمینه‌ای که آزمایش‌ها در آن انجام می‌گرفته است اغلب متفاوت بوده است. در حقیقت گروه هدف، نوع مالیات، سطح اعتماد به موسسات، هنجارهای اجتماعی قابل اجرا یا فرهنگ مالیاتی می‌تواند از یک مطالعه به مطالعه دیگر متفاوت باشد، که در نتیجه می‌تواند توضیح مهمی برای نتایج حتی گاهی متناقض باشد.^۲

۳-۶. هنجارهای اجتماعی متقابل

هنجارهای اجتماعی نقش مهمی در شکل دادن به تمکین مالیاتی دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که مالیات‌دهندگان زمانی که فرار مالیاتی را از نظر اجتماعی غیرقابل قبول می‌دانند، به احتمال زیاد از این امر پیروی می‌کنند. برجسته کردن و رواج رفتار مالیات‌دهندگان صادق در امر تمکین مالیاتی و تأکید بر تعهدات متقابل، می‌تواند به بهبود نرخ تمکین مالیاتی کمک کند. در حقیقت در ادبیات اقتصادی پذیرفته شده است که تصمیم به فرار مالیاتی نه تنها ناشی از عوامل خارجی و مالی (مانند نرخ‌های مالیاتی، جریمه‌ها، احتمالات حسابرسی و اجرا) بلکه به دلیل انگیزه‌های درونی و غیرمالی است.

در پژوهش‌های متعددی همچون لاتمر و سینها،^۳ از اصطلاح هنجارهای اجتماعی متقابل مالیاتی به عنوان یک اصطلاح کلی برای چنین انگیزه‌های ذاتی تمکین مالیاتی استفاده شده است. به علاوه در حالی که فرهنگ اجتماعی توسط عوامل بسیاری همچون: احساس گناه، ترجیحات صداقت، احساسات اخلاقی و عوامل فرهنگی شکل می‌گیرد، هنجارهای اجتماعی و رفتار متقابل نیز از چنین مؤلفه‌هایی در شکل‌گیری برخوردار هستند. همچنین تعامل متقابل در این پژوهش‌ها به این معنی است که انگیزه پیروی و تمکین

۱. (هالزورث و همکاران، ۲۰۱۴).

۲. (کتل و همکاران، ۲۰۱۶).

۳. (۲۰۱۴).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

مالیاتی ممکن است به کیفیت ادراکی افراد از خدمات دولتی بستگی داشته باشد که شهروندان در ازای پرداخت‌های مالیاتی خود دریافت می‌کنند؛ این حقیقت نیز با مفهوم همکاری مشروط مرتبط است.^۱ به طور خاص هنجارهای اجتماعی در جهت جهت‌دهی به رفتار تمکین مالیاتی به درک افراد در مورد شیوع فرار مالیاتی در جامعه بستگی دارند. به بیان دیگر اگر افراد این تلقی را از مالیات در جامعه داشته باشند که فرار مالیاتی بسیار رایج است، در نتیجه ممکن است مالیات‌دهندگان تمایل بیشتری به فرار مالیاتی داشته باشند، و در مقابل اگر افراد بر این باور باشند که اکثر مالیات‌دهندگان مالیات‌های خود را صادقانه می‌پردازند، ممکن است سازگارتر با این مسئله روبه‌رو شوند.

۶-۴. اعتماد و انصاف مالیات‌دهندگان

مطالعات رابطه بین اعتماد مالیات‌دهندگان به دولت و رفتار تمکین مالیاتی را بررسی کرده‌اند. افزایش اعتماد از طریق سیاست‌های مالیاتی شفاف و منصفانه می‌تواند منجر به افزایش تمکین مالیاتی شود. علاوه بر این، تحقیقات نشان داده است که ادراک از انصاف در سیستم مالیاتی به طور قابل توجهی بر نگرش مالیات‌دهندگان و تمایل به پرداخت مالیات تأثیرگذار هستند. در این زمینه بسیاری از سیستم‌های مالیاتی در سراسر جهان، به تبعیت داوطلبانه مالیات‌دهندگان متکی هستند. بنابراین، عواملی که بر تبعیت مالیات‌دهندگان تأثیر می‌گذارند، مورد توجه خدمات درآمد داخلی IRS، سیاست‌گذاران، دانشگاهیان، متخصصان مالیاتی و عموم مردم هستند. در این زمینه مالیات بر درآمد فردی بزرگترین منبع درآمد برای دولت آمریکا است.^۲ با توجه به رکود اقتصادی اخیر و کسری بودجه در آینده، دولت آمریکا (و همچنین بقیه دولت‌ها در همه سطوح) در حال بررسی فرصت‌هایی برای افزایش این درآمدهای مالیاتی هستند. در حقیقت

۱. (فری و میر، ۲۰۰۴)

۲. (خدمات درآمد داخلی، ۲۰۱۲ ب).



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

درآمد مالیاتی از طریق کاهش فرار مالیاتی و افزایش تبعیت مالیات‌دهندگان نسبت به قوانین مالیاتی می‌تواند به عنوان منابع درآمد قابل اطمینانی برای دولت‌ها محسوب شود. تلاش‌های معمول در این زمینه و در جهت افزایش درآمدهای مالیاتی شامل افزایش خطر کشف، وضع مجازات‌های بالاتر برای متخلفان و غیره می‌شود که در دولت‌ها نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهایی که با آن مواجه هستند نسبت به اعمال این مولفه‌ها اقدام می‌کنند. البته چنین تلاش‌هایی می‌تواند نسبتاً پرهزینه نیز باشد. به عنوان مثال، در آمریکا IRS تقریباً ۲۸ دلار برای هر اظهارنامه مالیاتی برای هزینه‌های اداری هزینه می‌شود.^۱ علی‌رغم چنین تلاش‌های پرهزینه‌ای، درآمد از دست‌رفته به دلیل عدم رعایت این قوانین توسط افراد قابل توجه است. آخرین برآورد IRS نشان می‌دهد که تقریباً ۳۸۵ میلیارد دلار درآمد مالیاتی در سال ۲۰۰۶ به دلیل فرار مالیاتی از دست رفته است.^۲ همچنین نیاز به کاهش عدم تمکین مالیاتی در مواجهه با کاهش بودجه‌های اجرایی، سازمان امور مالیاتی، بخش‌های درآمد ایالتی آمریکا را وادار کرده است تا عوامل مؤثر بر تصمیم‌های مربوط به تمکین مالیاتی را شناسایی کنند و نسبت به اجرایی کردن آن‌ها حساسیت بیشتری نشان دهند.

به‌علاوه تئوری‌های اولیه تمکین مالیاتی، تمکین را به عنوان تصمیمات منطقی بر اساس مطلوبیت مورد انتظار تعریف کرده است.^۳ تحقیقات اقتصاد رفتاری در زمینه تمکین مالیاتی به تمرکز بر عوامل این زمینه‌ها اختصاص پیدا کرده است و در عین حال پاسخ‌های افراد به مولفه‌ها را از نظر چارچوب‌بندی^۴ و پاسخگویی نسبت به قوانین مورد بررسی قرار داده است.^۵ با این حال، تحقیقات دیگر در این زمینه نشان داده است که

۱. (عالم و یونس، ۲۰۰۹).

۲. (خدمات درآمد داخلی، ۲۰۱۲ الف).

۳. (آلینگهام و ساندمو، ۱۹۷۲).

۴. (مک کافری و بارون، ۲۰۰۴).

۵. (ساندرز و همکاران، ۲۰۰۸).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

تصمیمات پرداخت مالیاتی افراد به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی نیز قرار دارد.^۱ به این معنا که مقاصد تبعیت مالیات‌دهندگان صرفاً بر اساس ملاحظات اقتصادی یا درک خطر کشف و شدت تحریم‌ها نسبت به افراد شکل نمی‌گیرد، بلکه هنجارهای شخصی آن‌ها نیز در این پرداخت‌ها موثر است. با این حال، صرف دانستن این موضوع که هنجار شخصی یک فرد در مورد مالیات بر رفتار تبعیت وی تأثیر می‌گذارد، به بهبود تمکین مالیاتی کمک نمی‌کند. بلکه، اگر بتوان درک صحیحی به دست آورد که این هنجارها چگونه شکل می‌گیرند، شاید بتوان این هنجارها را تحت تأثیر قرار داده یا به گونه‌ای شکل داد که بتواند تأثیر مثبتی بر تمکین مالیاتی داشته باشد.

۷. پیامدهای عملی و توصیه‌های خط مشی اقتصاد رفتاری

خط مشی اقتصاد رفتاری، که به عنوان یک راهبرد در سیاست‌گذاری عمومی شناخته می‌شود، با تأکید بر تأثیر عوامل رفتاری و روانشناختی در تصمیم‌گیری اقتصادی سعی می‌کند برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی در همه زمینه‌ها از جمله حوزه درآمدهای مالیاتی را بهبود بخشد. در اینجا، پیامدهای عملی و توصیه‌های خط مشی اقتصاد رفتاری برای مالیات‌ستانی را بررسی خواهیم کرد.

۷-۱. ساده‌سازی و برجستگی

ساده‌سازی قوانین مالیاتی و برجسته‌تر کردن تعهدات مالیاتی می‌تواند درک و تبعیت مالیات‌دهندگان را تسهیل کند. ارتباطات واضح و مختصر، همراه با یادآوری به موقع، می‌تواند بر رفتار مالیات‌دهندگان تأثیر مثبت بگذارد. در این زمینه در برخی تحقیقات مرتبط با سیاست‌گذاری مالیاتی این سوال مورد بررسی قرار گرفته است که آیا مهم است که مالیات‌دهندگان نمی‌توانند قوانین مالیاتی را در برخی جنبه‌ها درک کنند؟ پاسخ به این سوال نیز روشن است، در حقیقت اگر برای سیاست‌گذاران مالیاتی درآمدهای مالیاتی از اهمیت برخوردار باشند، در نتیجه پاسخ به این پرسش نیز مثبت خواهد بود؛ در واقع، پرداختن به پیچیدگی‌ها در

۱. (تورگلر، ۲۰۰۷).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

قوانین مالیاتی نباید چندان برای سیاست‌گذاران این حوزه دشوار باشد، چرا که شاید مهم‌ترین مشکل قوانین مالیاتی بیش از حد پیچیده بنابر استدلال‌های سنتی، این واقعیت است که تأثیر منفی بر توانایی مالیات‌دهندگان در زمینه تمکین قوانین مالیاتی دارد.^۱ علاوه بر این، برخی قوانین پیچیده مالیاتی ممکن است باعث این تصور برای برخی افراد شود که قانون در این زمینه ناعادلانه است. بنابراین حائز اهمیت که سیاست‌گذار حوزه مالیات از این حقیقت مطلع باشد که این استدلال‌ها، هر چند به طور عملی جذاب باشند، توسط ادبیات تجربی پژوهش‌های توسعه‌یافته در این زمینه پشتیبانی نمی‌شوند. علاوه بر این، تحقیقات علمی در مورد اینکه آیا پیچیدگی قوانین مالیاتی به طور قابل‌توجهی بر تمکین مالیاتی تأثیر می‌گذارد تا حد زیادی نتایج مبهمی به دست داده است (کوچیا و کارنس، ۲۰۰۱).

البته عدم وجود تحقیقات گسترده در زمینه اثرات تجربی قوانین پیچیده مالیاتی بر پرداخت‌های مالیاتی افراد مانع از ظهور مجموعه‌ای پیچیده‌ای از کارهای نظری در این حوزه نشده است. این بخش از پژوهش به یکی از جنبه‌های این ادبیات می‌پردازد که می‌توان از آن به عنوان «برجستگی مالیاتی» یاد شود، شاخه‌ای میان رشته‌ای که نظریه حقوقی و اقتصاد رفتاری را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. اگرچه این پژوهش‌ها عمدتاً در آمریکا توسعه یافته است، به نظر می‌رسد مبانی نظری آن به گونه‌ای طراحی شده است که در کاربرد بالقوه، جهانی است، و از این قابلیت برخوردار است تا برای دیگر کشورها نیز مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گیرد.

اصطلاح برجستگی مالیاتی در واقع به شکاف بین درک مالیات‌دهندگان از تعهد مالیاتی و مبلغی که واقعاً افراد بدهکار هستند اشاره دارد. دو پژوهشگر حوزه مطالعات سیاست‌گذاری مالیاتی در این زمینه، یعنی شانسکی و گامیج^۲ معتقد هستند که در نهایت، برجستگی مالیاتی به چگونگی تأثیر ارائه قیمت‌های مالیات

۱. (کوچیا و کارنس، ۲۰۰۱، ۱۱۳).

۲. (۲۰۱۱).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

بر رفتار مالیاتی اشاره دارد.^۱ این محققین بررسی گسترده‌ای از تعاریف مختلف در این زمینه ارائه کرده‌اند. به طور کلی این دو پژوهشگر توضیح می‌دهند که برجستگی مالیاتی نشان می‌دهد که مالیات‌دهندگان درک دقیقی از قانون دارند، در حالی که توضیحات برجستگی مالیاتی حد پایین به شکاف قابل توجهی بین درک مالیات‌دهندگان از تعهدات قانونی و تعهداتی که در واقع وجود دارد، اشاره می‌کند، اعم از اینکه فرد مالیات‌دهنده از این شکاف آگاه باشد یا نه. به‌علاوه این ادبیات، فرض کلی گفتمان سیاسی را که مالیاتی با اهمیت کم باید نیاز به اصلاح داشته باشد را به چالش می‌کشد. در حقیقت مسئله این نیست که برجستگی پایین مالیات در واقع جنبه مثبت قانونگذاری است، بلکه مسئله این است که یکی از عوامل بالقوه‌ای است که می‌تواند هنگام سیاست‌گذاری در حوزه مالیات مورد توجه قرار گیرد، و به این ترتیب، لزوماً نباید این قانون را نادیده گرفت.

۲-۲. طراحی سیاست‌ها و شخصی‌سازی

شناخت تفاوت‌های فردی و تنظیم سیاست‌های مالیاتی بر این اساس می‌تواند تمکین مالیاتی را افزایش دهد. درحقیقت پیام‌ها و مشوق‌های شخصی‌شده می‌توانند مالیات‌دهندگان را برای انجام تعهدات خود ترغیب کنند. در حقیقت بسیاری از کاستی‌های عمده سیاست‌گذاری اقتصادی را می‌توان به اتکای بیش از حد به سیاست‌هایی با عنوان «به یک اندازه مناسب برای همه» نسبت داد که تفاوت در کشورها، صنایع و افراد را نادیده می‌گیرد. تا اوایل قرن بیست‌ویکم، ابزارهای پذیرفته شده برای افزایش ثروت کشورهای در حال توسعه بر مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های سیاست‌های بهینه متمرکز بود. در سطح صنعت، ریسک سیستمی بالای بخش مالی نسبت به برخی صنایع دیگر به ندرت در مقررات قبل از رکود بزرگ در سال ۲۰۰۷ شناسایی می‌شد. برای افراد در این حوزه، سیاست‌های مربوط به مالیات، بهداشت و آموزش اغلب بر اساس

۱. (۲۰۱۱، ۱۹).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

تحلیل‌های اقتصادی صورت می‌گرفت که تفاوت در شرایط شخصی افراد را به‌مورد توجه قرار نمی‌داد.

اما به نظر می‌رسد این رویکرد در پژوهش‌های بعدی در این زمینه در حال تغییر است. در واقع در سطوح ملی، شرکتی و فردی، سیاست اقتصادی در مسیر افزایش سفارشی‌سازی پیش می‌رود. برای سیاست‌گذاران، این موضوع فرصت‌هایی را برای راه‌حل‌های جدید برای مشکلات جدید و قدیمی حوزه سیاست‌گذاری ایجاد کرده است. با این حال، بر اساس عواملی مانند جنسیت یا نژاد، معاوضه‌هایی از پیچیدگی بیشتر و خطر تبعیض وجود دارد. تسهیل کمی و برداشتن سقف‌های اعتباری، شرایط لازم را برای بانک‌های تجاری و وام‌گیرندگان فراهم می‌کند تا سهم خود را برای کمک به رشد اقتصاد انجام دهند. به‌علاوه بهبود سیاست‌های مالیاتی به منظور ایجاد محرک‌های رشد داخلی برای بخش‌های اقتصادی که خروجی‌های مادی تولید می‌کنند، همچنان به نفع دولت مرکزی است. به عنوان مثال، بار مالیاتی بر مشاغل کوچک باید کاهش یابد و شرکت‌های فناوری، به ویژه آن‌هایی که محصولات اساسی تولید می‌کنند، باید به‌طور کلی از مالیات معاف شوند. این امر باعث تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی به سمت شرکت‌ها و پروژه‌های درگیر در نوآوری‌های تکنولوژیکی می‌شود. اگر این کار توسط سیاست‌گذاران انجام پذیرد، پایه و اساس صنایع ایران می‌تواند ظرف ۵ سال بهبود قابل توجهی را تجربه کند. علاوه بر سیاست‌های ترجیحی مالیاتی برای شرکت‌های کوچک و شرکت‌های فناوری، نرخ‌های مالیات شرکت‌ها باید برای هر نوع شرکت خصوصی نیز کاهش یابد. اقتصاد ایران اکنون وارد دوره افزایش هزینه‌ها شده است و حاشیه سود برای اکثر شرکت‌ها در بخش‌های غیربانکی به‌طور کلی بسیار کم است. در مقابل، برخی بانک‌ها سودآور بوده‌اند. در این چنین شرایطی دولت باید تلاش کند با سیاست‌های مناسب این وضعیت را اصلاح کند تا منابع مالی بیشتری را به سمت بخش‌های غیربانکی هدایت کند. در واقع اگر سودآوری بخش مالی به میزان قابل توجهی از هر بخش دیگر، به ویژه بخش‌های صنعتی بیشتر باشد، اقتصاد دیر یا زود شتاب خود را از دست خواهد داد. اگر سیاست‌های مالیاتی



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

و سایر اقدامات محرک سیاست‌گذاران پشتوانه علمی درستی نداشته باشد، تمامی تلاش‌ها در زمینه توسعه ساختاری بر اساس یک چشم‌انداز علمی، از بین خواهد رفت. به بیان دیگر در این زمان رکود اقتصادی اقتصاد، فرصت مناسبی برای مقامات دخیل در حوزه سیاست‌گذاری است تا با ایجاد تغییرات درست در ساختار مالیاتی کشور، به بخش‌های غیربانکی خود ضربه وارد نکنند.

۷-۳. همکاری‌ها و به اشتراک‌گذاری داده‌های مالیاتی

همکاری بین مقامات مالیاتی کشورها و سیاست‌گذاران برای بهره‌برداری از بینش‌های حاصل از مطالعات رفتاری حیاتی است. به اشتراک‌گذاری داده‌ها و دانش می‌تواند به توسعه سیاست‌های مالیاتی مبتنی بر شواهد و بهبود اثربخشی آن‌ها کمک کند. در واقع همکاری و به اشتراک‌گذاری داده‌های مالیاتی بین کشورها چندین امتیاز مهم دارد. در ادامه برخی از این مولفه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. مبارزه با فرار مالیاتی:

همکاری و به اشتراک‌گذاری داده‌های مالیاتی امکان می‌دهد تا کشورها بر فرار مالیاتی و انتقال غیرقانونی سرمایه‌ها بین مرزها نظارت کنند. این امر موجب افزایش پایبندی به قوانین مالیاتی، کاهش فرصت‌های سوءاستفاده و ایجاد تعادل مناسب در توزیع بار مالیاتی می‌شود.

۲. افزایش درآمدهای مالیاتی:

با به اشتراک‌گذاری داده‌های مالیاتی، کشورها می‌توانند از اطلاعات دقیق‌تر و جامع‌تری برای تعیین درآمدهای مالیاتی فردی و سازمانی استفاده کنند. این امر می‌تواند به افزایش درآمدهای مالیاتی کمک کند و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی را تقویت کند.

۳. تعزیز عدالت مالیاتی:

با اشتراک‌گذاری داده‌های مالیاتی، کشورها قادر خواهند بود تا نسبت به بررسی عادلانه‌تری از تقاضاها



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

و ادعاهای مالیاتی اقدام کنند. این امر باعث افزایش عدالت در توزیع بار مالیاتی و کاهش نابرابری‌ها می‌شود.

۴. پیشگیری از ابتکارات مالیاتی غیرقانونی:

با به اشتراک‌گذاری داده‌های مالیاتی، کشورها قادر خواهند بود تا روش‌ها و ابتکارات مالیاتی غیرقانونی را شناسایی و متوقف کنند. این اقدامات می‌تواند به جلوگیری از فرار مالیاتی و سوء استفاده از شرایط مالیاتی منفعل در کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه کمک کند و تمهیدات مناسبی را برای حفظ حقوق مالیاتی کشورها فراهم کند. به‌طور کلی، همکاری و به اشتراک‌گذاری داده‌های مالیاتی می‌تواند به تقویت نظام مالیاتی بین‌المللی، افزایش درآمدهای مالیاتی، افزایش عدالت مالیاتی و مبارزه با فرار مالیاتی کمک کند.

۸. مؤلفه‌های مالیات‌ستانی اسلامی از منظر اقتصاد رفتاری

از منظر اقتصاد رفتاری، الزامات مالیات‌ستانی اسلامی را می‌توان به عنوان اقدامات مالیاتی اسلامی که بر اساس اصول و مبانی اقتصادی اسلامی تنظیم شده‌اند، توصیف کرد. این اصول و مبانی اقتصادی معمولاً بر مبنای تفاوت‌هایی با رویکردهای اقتصاد متعارف که عمدتاً از نظرات اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک تبعیت می‌کنند، شکل می‌گیرد.

برای انسان، علم ابزاری برای درک جهان و تبدیل آن به مکان بهتری برای زندگی است. وقتی افراد در مورد علم فکر می‌کنند، عموماً فیزیک، شیمی، ریاضی یا این نوع رشته‌ها به ذهنشان خطور می‌کند. این رشته‌ها اغلب به عنوان ساده، دقیق، بدون شک و عینی شناخته می‌شوند. تحقیقات در این رشته‌ها برای چیزهای مادی یا فیزیکی (مانند مولکول‌ها، عناصر و اتم‌ها) در جهان انجام می‌شود. از سوی دیگر، علوم اجتماعی (به عنوان علم نوع دوم) با انسان‌هایی سروکار دارد (اما نه از نظر فیزیکی) که از نظر تحقیقات علمی موجوداتی قابل اعتماد نیستند، زیرا انسان‌ها معمولاً به‌عنوان افرادی غیرمنطقی قلمداد می‌شوند، بنابراین علوم اجتماعی نسبتاً پیچیده، مبتنی بر ارزش (ذهنی) هستند. در این زمینه اقتصاد نیز نوعی از علوم اجتماعی است. بنابراین انتظار می‌رود



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

انسان‌ها و روابط انسانی را تحلیل کند. علاوه بر این که این سیستم به دلیل جایگاهی که در تحلیل انسان دارد از مؤلفه‌های پیچیده‌ای نیز برخوردار است. به عنوان مثال، آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل، دستمزد مشاغل را بر اساس سود یا زیان اخلاقی و همچنین مشکلات جسمانی آن‌ها طبقه‌بندی می‌کند. اسمیت معتقد است که برخی از حرفه‌ها مانند مجریان یا بازیگران درآمد بیشتری کسب می‌کنند چرا که افراد شاغل در این چنین حرفه‌هایی در دید اسمیت شغل‌های محترمانه تلقی نمی‌شوند، بنابراین پول اضافی که دریافت می‌کنند، در حقیقت بازگشت شرافت و سایر ارزش‌های اخلاقی آن‌هاست. از طرف دیگر، مشاغل نظامی درآمد کمتری دارند، زیرا تلقی بهتری نسبت به امثال این مشاغل وجود دارد.^۱

به‌علاوه مسائل و چالش‌هایی که تا اینجا در ارتباط با اقتصاد و تحلیل رفتار انسان بیان گردید از جمله مسائل عینی نیستند که به‌راحتی قابل پذیرش باشند؛ در حقیقت افراد با نگرش‌های متفاوت می‌توانند به راحتی با این مسائل مخالفت کنند و ممکن است حتی کلیت این موضوعات را نیز نپذیرند. با این حال، از آنجایی که پوزیتیویسم در علم رایج شده است، اقتصاددانان نیز به تبعیت از این نگرش، شروع به رسمیت بخشیدن به علم اقتصاد مانند ریاضیات و فیزیک کردند. پس از استخراج این فرمول‌ها و در جهت ریاضی‌سازی اقتصاد، فرضیات غیرواقعی برای ساده کردن پیچیدگی زندگی واقعی باید انجام می‌شد؛ اگرچه ساخت مدل‌های ساده یک ابزار ضروری در علم و عمدتاً در تحقیقات استقرایی است، اما دانشمندان باید ضمن گسترش خروجی‌های مدل‌های ساده، دقیق نیز عمل می‌کردند. بنابراین با تبدیل شدن اقتصاددانان به پژوهشگران مبتنی بر مدل، اقتصاد به عنوان یک رشته مرتبط با تحلیل رفتارهای انسان از واقعیت فاصله گرفت؛ و همانطور که اقتصاد از واقعیت دور شد، ویژگی‌های حل مسئله را نیز به تبع چنین عملکردی از دست داد. متأسفانه با گذشت سال‌ها و همه تلاش‌های صورت گرفته در این عرصه، اکنون در دنیای

۱. (اسمیت، ۱۹۳۷)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

اقتصاددانان، اعتراف به اینکه بیشتر این کارها تلاش‌های غیرضروری بوده است، بسیار دشوار شده است. از طرف دیگر علوم اجتماعی عموماً در تعیین مسائل خوب عمل می‌کنند اما در ایجاد راه حل چندان موفق نیستند. شاید در مورد ساختار پیچیده انسان‌ها نیز بتوان چنین ادعایی را در مورد علوم اجتماعی مطرح کرد. همچنین ممکن است علوم اجتماعی انسان را از منظری خلاف واقع ارزیابی کنند. این گزارش بر این باور است که مشکل واقعی در درک نادرست دانشمندان از جهان و دین است. اکثر دانشمندان معتقد به تکامل هستند و فکر می‌کنند این جهان، زمین و همه موجودات زنده در میلیون‌ها سال گذشته، به صورت اتفاقی به وجود آمده‌اند، یا خود طبیعت زمینه پیدایش آن‌ها را فراهم کرده است، یا اینکه همه چیز به طور خودکار اتفاق افتاده است. بنابراین این دسته از دانشمندان به انتخاب چهارمی نمی‌اندیشند که یک خالق با قدرت و علم و اراده بی‌نهایت است که همه چیز را سامان می‌دهد و می‌آفریند؛ به همین دلیل نمی‌توانند علم و دین را در ذهن خود پیوندند و به همین دلیل دین را غیرعلمی می‌دانند. به هر حال علم برای سرگرمی وجود نداشته و بوجود نیامده است، بلکه برای حل مشکلات روزمره و آسان کردن زندگی افراد وجود دارد. در واقع، سوال مهم این نیست که آیا علم اقتصاد در مسیر درستی قرار دارد یا خیر؟ سوال اصلی این است که "آیا علم اقتصاد قادر به حل مشکلات اقتصادی زندگی واقعی است؟" اقتصاد رفتاری قرار است این مشکلات را حل کند اما در نهایت بیشتر مشکلات همچنان وجود دارند. در این گزارش پاسخ به این نوع سوالات در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، دین به عنوان یک نهاد باید برای کمک به حل این مشکلات پیشنهاد شود. در ادبیات اقتصاد رفتاری، مطالعات اسلامی رو به افزایش بوده است. بخشی از این مطالعات به ساختارهای و رویکردهای متضاد سرمایه‌داری و اسلام می‌پردازند. عموماً افراد هدف این مطالعات افراد مسلمان هستند.^۱ این پژوهش‌ها سعی در تحلیل جوامع اسلامی و ارائه توصیه‌هایی برای افراد و نهادهای دولتی در این جوامع

۱. (کوان، ۲۰۱۸؛ فرقانی، ۲۰۱۷؛ لاهیم، ۲۰۱۸)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

دارند. اما هدف این گزارش نه تنها مسلمانان بلکه تمام مردم جهان هستند که به مشکلات رفتاری در اقتصاد توجه دارند.

۸-۱. تمکین مالیاتی

بررسی تمکین مالیاتی با توجه به رویکرد اسلامی ابعاد گسترده‌ای دارد و می‌تواند شامل عوامل متعددی گردد، در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها که توسط گزارش حاضر بررسی و مورد تحلیل قرار گرفته است، بررسی شده است.

۸-۱-۱. تحریک انگیزه‌های معنوی

تشویق‌های قرآن گستره وسیعی دارند؛ هم به لحاظ کلمات که بدین منظور استفاده شده، هم به لحاظ افرادی که مورد تشویق قرار گرفته‌اند، هم از نظر مشوقان و هم متعلقات تشویق و پاداش‌های متعددی که برای افراد شایسته لحاظ شده است. به نظر می‌رسد، وجه مشترک همه این تشویق‌ها، که به شیوه‌های گوناگون بیان شده است، جنبه انگیزشی آن‌هاست. در این زمینه یکی از وظایف مهم حساب‌رسان مالیاتی، ایجاد انگیزه و علاقه نسبت به پرداخت مالیات است؛ یعنی ایجاد یا تقویت نیرویی درونی در افراد که باعث بروز و تداوم رفتارهایی در زمینه تمکین مالیاتی شود. بدین منظور اندیشوران حوزه رفتار نظریه‌های متعددی درباره انگیزش ارائه کرده‌اند. همه این نظریه‌ها بر اساس مطالعات تجربی و با فرهنگ و ارزش‌های خاص حاکم بر جامعه صاحب نظریه صورت گرفته است.

به نظر می‌رسد در جوامع اسلامی با توجه به فرهنگ دینی و ارزش‌های حاکم بر آن و با استفاده از دستاوردهای دانش بشری، باید به مقوله «انگیزش» بر مبنای آموزه‌های اسلامی نگریست. در این مسیر مطمئن‌ترین گزینه استفاده از قرآن است؛ خداوند توصیه می‌کند هنگامی که مردم زکات می‌پردازند، برای آنان دعا شود و به ایشان درود فرستاده شود. آنان با پرداخت زکات وظیفه واجب خود را انجام می‌دهند، ولی آیه



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

بیانگر این حقیقت است که حتی در برابر انجام دادن وظایف واجب نیز باید مردم تشویق شوند که این تشویق به صورت تشکر و قدردانی پیامبر از مردم انجام می‌شود.

«این کتاب [قرآن] بدون هیچ شکی راهنمای پرهیزکاران است».^۱ این موضوع مهم‌ترین رسالت قرآن است، اما قرآن فقط به نشان دادن راه و هدف بسنده نمی‌کند، بلکه با روش‌های خود انگیزه حرکت در صراط مستقیم را نیز در بشر ایجاد می‌کند تا انسان گام به گام از حیات مادی به حیات طیبه الاهی قدم بگذارد. یکی از روش‌هایی که قرآن برای ایجاد انگیزه در انسان از آن بهره برده «روش تشویق» است. برای نمونه، خدای متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که هنگام گرفتن زکات از مردم، آنان را تشویق کند: «از اموال آنان صدقه‌ای [زکات] بگیر که بدان وسیله پاکشان سازی و آنان را برکت و فزونی بخشی [=اموال یا حسناتشان را نشو و نما دهی] و ایشان را دعا کن که دعای تو آرامشی است برای آنان، و خدا شنوا و داناست».^۲

خداوند توصیه می‌کند هنگامی که مردم زکات می‌پردازند، برای آنان دعا شود و به ایشان درود فرستاده شود. آنان با پرداخت زکات وظیفه واجب خود را انجام می‌دهند، ولی آیه بیانگر این حقیقت است که حتی در برابر انجام دادن وظایف واجب نیز باید مردم تشویق شوند که این تشویق به صورت تشکر و قدردانی پیامبر از مردم انجام می‌شود.^۳ رسول خدا (ص) همین گونه رفتار می‌کرد. نقل کرده‌اند هنگامی که فردی زکات اموال خود را به پیامبر می‌داد، آن حضرت می‌فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ»^۴ و او را دعا می‌کرد؛ و چون زکات قبیله‌ای تحویل آن حضرت می‌شد، آنان را دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِم»^۵ خداوند پس از آن

۱. (بقره: ۲)

۲. (توبه: ۱۰۳)

۳. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۱۱)

۴. (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۴۳۵)

۵. (قرطبی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۲۴۹)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

می‌فرماید که این دعا و درود تو مایه آرامش خاطر آنان است.^۱ زیرا از پرتو این دعا، رحمت الهی بر دل و جان ایشان نازل می‌شود، آن‌گونه که آن را احساس کنند.

به علاوه، قدردانی پیامبر (ص) یا کسانی که در جای او قرار می‌گیرند و زکات اموال مردم را می‌پذیرند، نوعی آرامش روحی و فکری به آنان می‌بخشد که اگر ظاهراً چیزی را از دست داده‌اند، بهتر از آن را به دست آورده‌اند.^۲ امروزه نیز یکی از روش‌های مهمی که حساب‌رسان مالیاتی می‌توانند به کمک آن در مودیان انگیزه ایجاد کنند، «روش تشویق» است؛ یعنی با ایجاد شوق و رغبت و تقویت روحیه و اعتماد به نفس، فرد را برای ترغیب به پرداخت مالیات‌ها آماده می‌سازد. از این‌رو، می‌توان گفت روش تشویق شیوه‌ای اثرگذار بر انگیزش مودیان است.

در این ارتباط نیز اخذ مالیات‌های در جامعه اسلامی را می‌توان بر اساس قانون کشور در جهت الزام به پرداخت آن‌ها از جمله اعمالی دانست که شرع نیز با آن مخالفتی نکرده است، این موضوع در حالی است که در ارتباط با مالیات‌های اسلامی وعده پاداش‌ها و مجازات‌های اخروی متعددی داده شده است. از جمله پاداش‌ها می‌توان به همراه شدن زکات همراه با نماز در قبر با وی^۳ فرونشاندن خشم پروردگار،^۴ دادن قصری از طلا به ازای هر دانه از زکات که با شرایطش داده شده باشد،^۵ بیمه شدن اموال^۶ دریافت زکات توسط خود خداوند^۷ و پاک شدن زکات دهنده^۸ اشاره کرد. در طرف مقابل برای منکر و مانع زکات مجازات‌هایی چون

۱. (رشیدرضا، ۱۳۵۰، ج ۱۱، ص ۲۵)

۲. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۱۹).

۳. (بروجردی، ۱۳۸۰، ق، ج ۸، ص ۱۹)،

۴. (همان، ص ۹)،

۵. (همان، ص ۸)،

۶. (همان، ص ۲۲)،

۷. (توبه: ۱۰۴)

۸. (توبه: ۱۰۳)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

داخل شدن در کفر^۱ یکی از سه دسته‌ای که پیش از همه وارد جهنم میشود،^۲ قبول نشدن نماز وی^۳ از آنجا که بدون اختلاف زکات و ضروریات دین است، منکر و جوب آن با علم بدان از اسلام خارج می‌شود؛ نیز هیچ مالی در خشکی و دریا نابود نمی‌شود مگر به واسطه ترک زکات^۴ به علاوه وعده عذاب‌های اخروی برای تارک زکات آمده است.^۵

۸-۱-۲. لزوم توجه دادن مودیان به پاداش‌های معنوی مثبت

آنچه در قرآن مجید و روایات اسلامی درباره باغ‌های بهشتی که نهرها از زیر درختانش جاری هستند «جنات تجری من تحتها الانهار»^۶ باغهایی که میوه‌های آن و سایه‌هایش جاودانی است «اکلها دائم وظلها»^۷ و برای افراد با ایمان همسران خوب بهشتی وجود دارد «و ازواج مطهرة»^۸ و مانند آن آمده است، و همچنین آنچه درباره آتش سوزان دوزخ و مجازات‌های دردناک آن دیده می‌شود، همه ناظر به جنبه‌های مادی پاداش و کیفر آن جهان است. ولی از آن مهم‌تر، پاداش‌های معنوی، انوار معرفت الهی و قرب روحانی پروردگار و جلوه‌های جمال و جلال اوست، همان لذاتی است که با هیچ زبان و بیانی، قابل توصیف نیست. در بعضی آیات قرآن بعد از بیان بخشی از نعمت‌های مادی بهشت (باغ‌های پر طراوت و مسکن‌های پاکیزه) می‌افزاید: «و رضوان من الله اکبر، و رضا و خشنودی خدا از همه این‌ها برتر است!» و بعد می‌افزاید:

۱. (فصلت: ۷)،

۲. (بروجردی، ۱۳۸۰ ق، ج ۸، ص ۱۷)

۳. (همان، ص ۷)،

۴. (همان، ص ۲۳)،

۵. (مقدم، ۱۴۰۲، ص ۱۱۶)،

۶. (توبه: ۸۹)

۷. (رعد: ۳۵)

۸. (آل عمران: ۱۵)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

«ذلک هو الفوز العظیم، پیروزی بزرگ همین است!»^۱ آری لذتی بالاتر از این نیست که انسان درک کند از سوی معبود و محبوب بزرگش پذیرفته شده و مشمول رضا و خشنودی و پذیرش او قرار گرفته است! در حدیثی از امام علی بن الحسین (ع) می‌خوانیم: «يقول (الله) تبارک و تعالی رضای عنکم و محبتی لکم خیر و اعظم مما انتم فيه، خداوند متعال به آن‌ها می‌گوید: خشنودی من از شما و محبت من نسبت به شما بهتر و برتر است از نعمتهایی که شما در آن هستید! آن‌ها همگی این سخن را می‌شنوند و تصدیق می‌کنند!»^۲ راستی چه لذتی از این بالاتر که انسان مخاطب به این خطاب شود: «يا ايها النفس المطمئنة - ارجعي الي ربك راضية مرضية - فادخلي في عبادي - و ادخلي جنتي، تو ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت باز گرد، در حالی که هم تراز او خشنودی و هم او از تو خشنود، و در سلک بندگانم درآی و در بهشتم وارد شو!»^۳ در این ارتباط توجه دادن مودیان مالیاتی نسبت به این حقیقت که تمکین مالیاتی در واقع تمکین از قواعد و دستورات حکومت اسلامی است و می‌تواند در تقویت کشور موثر باشد و این تبعات قطعاً با پاداش‌های اخروی وعده داده شده توسط خداوند جزا داده می‌شود، می‌تواند در افزایش پرداخت‌های مالیاتی در جامعه موثر باشد.

۸-۱-۳. تعمیق هویت دینی در تمکین مالیاتی

واژه هویت^۴ ریشه در زبان لاتین دارد و دارای دو معنای اصلی است: ۱- همسانی و یکنواختی مطلق؛ ۲- تمایز که به مرور زمان، سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد.^۵ در واقع هویت به عنوان پدیده‌ای سیال و چند وجهی، حاصل فرآیند مستمر تاریخی است که تحت تأثیر شرایط محیطی، همواره در حال تغییر است؛ به تعبیر دیگر،

۱. (توبه: ۷۲)

۲. (رسولی و عیاشی، ۱۴۱۱، ج ۹، ص ۲۲).

۳. (فیجر: ۳۰/۲۷).

۴. (identity)

۵. (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۲).



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

هویت همواره و به‌طور تغییرناپذیری «بین‌الذهانی» است و با مفاهیم اجتماعی و سمبل‌های فرهنگی آمیخته شده و با آنها تفسیر می‌شود. هویت یک گروه یا ملت، نه یک جوهر ثابت و قطعی است و نه از یک ساختار قطعی برخوردار است، هویت به مثابه چیزی مورد توجه است که همیشه ساخته می‌شود و می‌تواند به‌صورت انتقادی بازسازی شود.^۱ موضوع هویت مذهبی و الگوی آن در ارتباط با هر دینی متفاوت است؛ چراکه هویت مذهبی به ماهیت و تاریخ ادیان، تاریخ جنبش‌های مذهبی و نوع عقاید دینی مربوط می‌شود. بنابراین دراندازه‌گیری هویت مذهبی در هر دین خاص باید به ترجیحات دینی، نوع طبقه‌بندی فرقه‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مذهبی هرکدام توجه کرد^۲ در این ارتباط هویت دینی نیز نقش پررنگی در زندگی مردم دارد. این دیدگاه ریشه در تفکرات و نظریه‌های جامعه‌شناسان مختلف از جمله دورکیم، وبر، زیمل و ... داشته است. دین مهم‌ترین منبع برای هویت و معنابخشی است؛ چراکه به پرسش‌های بنیادین پاسخ می‌دهد، به زندگی جهت می‌بخشد و وحدت اعتقادی ایجاد می‌کند. ساموئل هانتینگتون معتقد است دین برای کسانی که با پرسش‌هایی از این دست روبه‌رو هستند که «من کیستم؟» و «به کجا تعلق دارم؟» پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای دارد.^۳ در حقیقت انسان‌ها با توجه به شرایط و اطلاعات به‌طور مداوم هویت خود را بازتولید می‌کنند و این بازتولید بدون قدرت و توانایی تغییر، انجام نشدنی است.^۴

یکی از شیوه‌های اصلی‌ای که اسلام نیز برای تمکین به پرداخت‌های مالیاتی استفاده می‌کند، تعمیق هویت اسلامی در افراد و سپس شناساندن مالیات به عنوان یکی از ارکان دین اسلام است. این کار موجب می‌شود به مسلمانی که مالیات نمی‌دهد، احساس بی‌هویتی دست بدهد که از بالاترین مجازات‌های درونی

۱. (موراگ، ۲۰۰۰، ص ۴۲).

۲. (حاجیان، ۱۳۸۸، ص ۴۳۴).

۳. (هانتینگتون، ۱۳۷۸، ص ۵۳).

۴. (آنتونی، ۱۳۸۳، ص ۸۲).



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

است. در این صورت در سیاست‌های اخذ مالیات کافی است کارگزاران مالیاتی روی هویت دینی افراد مانور دهند و آن را به افراد متذکر شوند؛ برای مثال حضرت امیرالمؤمنین (ع) در نامه به کارگزار خود برای جمع‌آوری مالیات از وی می‌خواهد خود را اینگونه معرفی کند: «عِبَادَ اللَّهِ أَرْسَلَنِي إِلَيْكُمْ وَلِيَ اللَّهِ وَخَلِيفَتُهُ لَاخُذَ مِنْكُمْ حَقَّ اللَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ، فَهَلْ لِلَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ مِنْ حَقٍّ فَتَوَدُّوهُ إِلَى وَلِيِّهِ؟»^۱ در نامه ۲۶ که آن نیز خطاب به کارگزار زکات نوشته شده، در عباراتی همچون کتاب الله، سنت رسول الله، امر الله و تقوی الله محوریت خداوند و هویت دینی به چشم می‌خورد. اینگونه عبارات وارد کردن مستقیم تلنگر به هویت اسلامی افراد است.^۲

به‌علاوه در هویت اسلامی آنچه انسان را از پوچی خارج می‌کند، جهان‌بینی الهی است. انسان دارای عطشی است که فقط با پیمودن راه خدا و رسیدن به وصال خدا فرو می‌نشیند. مذهب به آدم‌ها ارزش می‌دهد. قصد دارد آن‌ها را از تهی بودن و بی‌هدفی و پوچی برهاند.^۳ دین الهی، بعد از اینکه برای انسان ارزش قائل می‌شود، دیدگاه روشنی را هم تبیین می‌کند و آن این است که: هدف زندگی، تکامل است و تکامل، صورت نمی‌گیرد مگر با نزدیک شدن به پروردگار که آن هم با تقوا و عمل صالح امکان‌پذیر است. به همین دلیل، انسان می‌داند که کیست، از کجا آمده، در کجاست و به کجا می‌رود. در نتیجه از پیامدهای هویت دینی «هدفمند کردن» انسان‌ها است. به‌عبارتی، هویت دینی که ریشه در فطرت آدمی دارد، می‌تواند با تکوین و شکوفایی آن، پیامدهای مثبتی در حوزه‌های فردی و اجتماعی به‌دنبال داشته باشد، از جمله احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورها، هدفمندی فرد و جامعه است که خود این امر بازخوردهای مثبت و اثربخش خویش را در عرصه‌های مختلف فردی (هویت دینی به‌عنوان مکتب خودسازی و انسان‌سازی) و اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، شفافیت و نمود می‌بخشد.

۱. (نهج البلاغه: نامه ۲۵).

۲. (مقدم، ۱۴۰۲، ص ۱۱۸-۱۱۹).

۳. (رشیدپور، ۱۳۸۱، ص ۲۲).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

از سوی دیگر، تاریخ بشر گویای این مطلب است که دین و هویت دینی، همیشه تمدن‌ساز بوده‌اند،^۱ مضاف به اینکه هویت دینی زندگی را معنادار کرده و از پوچ‌گرایی و بی‌هدفی می‌رهانند، به‌طورکلی می‌توان گفت که عمل به تعالیم دینی و داشتن هویت دینی در عصر کنونی - که انسان در معرض هویت‌های کاذب و بی‌اصالت قرار دارد - می‌تواند راه حلی برای «بحران هویت» بشر باشد^۲ و پیامدهای اقتصادی زیادی را از جمله در ارتباط با تمکین مالیاتی به همراه داشته باشد.

۸-۱-۴. ایجاد حسابداری ذهنی

تالر^۳ و تالر و جانسون^۴ تعریف حسابداری ذهنی را به این صورت ارائه می‌دهند: حسابداری ذهنی به معنای درک پیروزی‌ها، زیان‌ها و شرایطی است که تحت تأثیر ویرایش‌های خاصی در ذهن انسان قرار می‌گیرد. تالر^۵ این موضوع را به عنوان یک مجموعه عملیات آگاهانه تعریف می‌کند که افراد و خانواده‌ها از آن برای سازماندهی، ارزیابی و ردیابی فعالیت‌های مالی استفاده می‌کنند. حسابداری ذهنی در واقعیت یک رویکرد عملی و مفید است که مصرف‌کنندگان به صورت استراتژیک برای ساده‌تر کردن محاسبات شناختی^۶ و تنظیم خودکار هزینه‌ها از آن بهره می‌برند. این پدیده به فرآیند ارزیابی ذهنی معاملات از جمله معاملات مالی اشاره دارد، به این معنی که افراد ممکن است تصمیم‌گیری درباره مسائل مالی مختلف را در حساب‌های ذهنی متفاوتی انجام دهند، بدون در نظر گرفتن فرض منطقی که تمام این تصمیم‌گیری‌ها را در یک پرتفوی

۱. (هانتینگتون، ۱۳۷۸، ص ۷۱).

۲. (بهاروندی، ۱۳۹۵)؛

۳. (۱۹۸۰)

۴. (۱۹۹۰)

۵. (۱۹۹۹)

۶. (شلینگ، ۱۹۸۴)



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

تصمیم‌گیری ترکیب کنند، امری که می‌تواند تعامل میان تصمیم‌گیری‌های مختلف را نادیده می‌گیرد^۱ بر اساس دیدگاه هاث و سول^۲ حسابداری ذهنی به عنوان یک ابزار استفاده می‌شود تا تصمیم‌های مربوط به هزینه‌کردن را به دلیل مطلوبیت در ذهنی‌سازی چشم‌انداز تجربی انجام دهیم.

مولفه دیگری که باعث در تمکین مالیاتی توسط افراد می‌شود، واردکردن آن در حسابداری ذهنی افراد است؛ به گونه‌ای که در ذهن افراد مالیات‌ها به عنوان حق الهی شناخته شود که باید به اذن یا توسط امام و نواب وی هزینه شود و در غیر این صورت مؤدی حق تصرف در آن را ندارد. در این صورت وسوسه‌ها در جهت عدم تمکین مالیاتی بسیار کم خواهد شد. ایجاد این حسابداری ذهنی از طرق گوناگونی انجام می‌شود که پرداختن به آن در نظام تربیت اقتصادی اسلام می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی قرار گیرد.^۳

۸-۲. الزامات اقتصاد رفتاری در تأثیر مولفه‌های اسلامی

همانطور که در قسمت قبل نیز ذکر گردید، هدف اصلی علم این است که جهان را به مکانی بهتر برای زندگی تبدیل کند. اقتصاد رفتاری مسیری را به سوی واقعیت باز کرده است، اما هنوز فاصله زیادی تا هدف نهایی وجود دارد. سوال این است که "مردم چگونه می‌توانند از این مشکلات رفتاری جلوگیری یا این مشکلات را به حداقل برسانند؟" با آغاز قرن بیست و یکم، ابتدا در انگلستان نیاز به یک موسسه (برای کار بر روی مشکلات رفتاری و توسعه اقدامات برای جلوگیری از عملکرد نادرست اقتصاد) به طور جدی مطرح شد. سپس در سال ۲۰۱۰، اولین واحد مطالعات اقتصاد رفتاری در جهان به نام تیم بینش رفتاری (BIT) در بریتانیا تأسیس شد. هدف این واحد ایجاد بینش رفتاری برای اطلاع‌رسانی به دولت در تدوین سیاست، بهبود خدمات عمومی و بهبود رفاه عمومی بود. پس از موفقیت انگلستان، این نوع واحدها در بسیاری از کشورها

۱. (دانیل و همکاران، ۱۹۹۸).

۲. (۱۹۹۶).

۳. (مقدم، ۱۴۰۲، ص ۱۲۰).



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

تأسیس شد.^۱

تالر و سانشتاین در کتاب "Nudge"^۲ از سیاست‌هایی دفاع می‌کنند که توسط واحدهای مطالعات رفتاری طراحی، و توسط دولت‌ها در حل مشکلات رفتاری در حوزه‌های مختلف اعمال شده است. به عنوان مثال، سیستم بازنشستگی شخصی^۳ در اکثر جوامع بسیار محبوب نبوده است. پس از مدتی بررسی پژوهشگران این حوزه متوجه شدند که مشکل بیشتر در مورد رویه‌های اتخاذ شده در این سیستم است. در سیستم اولیه قبلی، دولت از شما می‌پرسید که آیا می‌خواهید در PPS ثبت نام کنید یا خیر. سپس اگر می‌خواستید ثبت نام کنید، باید مراحل را انجام می‌دادید یا اگر نمی‌خواستید کاری انجام نمی‌دادید. با این حال، اکنون فهمیده شده است که افراد به دلیل تبلی و نامطمئن بودن گزینه‌های پیش‌فرض اقداماتی را انجام نمی‌دهند (در این مرحله مفاهیم فوق‌الذکر را می‌توان مانند سوگیری وضعیت موجود، سوگیری تأیید یا نظریه سیستم دوگانه بررسی کرد). بنابراین با تغییر گزینه‌های پیش‌فرض (معماری انتخاب) مشکل تا حدی حل شد.^۴ اکنون دولت همه را در سیستم PPS ثبت می‌کند و درخواست می‌کند که اگر فردی می‌خواهد از سیستم خارج شود باید دستورالعمل‌های لازم را انجام دهد. پس از این تغییر اندک در گزینه‌های پیش‌فرض، نسبت افراد در PPS به طور قابل توجهی افزایش یافت. این چنین سیستمی NUDGE 1 نامیده شد که به طور خلاصه به این معنی است که بدون گرفتن آزادی انتخاب از مردم و فقط با ایجاد تغییرات کوچک، می‌توان به نتایج مطلوب رسید. در پژوهش‌های متعددی در این زمینه نمونه‌های بیشتری از اهدای عضو، پس‌انداز، قوانین راهنمایی و رانندگی وجود دارد، و مورد بحث و بررسی توسط تحقیقات قرار گرفته است. اما این برنامه‌های

۱. (اسلام و همکاران، ۲۰۲۰).

۲. (۲۰۰۸)

۳. PPS

۴. (سامسون، ۲۰۱۴)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

کاربرد عمومی سیاست‌های کلان و عمدتاً رویه‌ای هستند. به عبارت دیگر، دولت‌ها در بعد خرد افراد را تحت فشار قرار نمی‌دهند و بر افکار و باورهای فردی تأثیر نمی‌گذارند. بنابراین تأثیر این تلنگرها معمولاً اندک است و هنوز از سطوح مورد نظر فاصله دارد. علاوه بر این، این سیاست‌ها تنها به زندگی تعداد کمی از مردم مربوط می‌شود. بنابراین هنوز فاصله زیادی برای اشتباهات رفتاری افراد وجود دارد؛ در رویکرد اسلامی که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، این چالش‌ها برطرف شده است.

۸-۳. سایر رویکردها

یک موجود نمی‌تواند خود را بهتر از خالق بشناسد یا یک کامپیوتر نمی‌تواند خود را بهتر از مخترع بشناسد. به همین دلیل ادیان با ارزش‌ترین راهنمای بشریت هستند. همچنین اسلام از نظر جامعیت با سایر ادیان الهی متفاوت است. به عنوان مثال، در مسیحیت فقط قوانین کلی مانند اهمیت صداقت یا مهربانی با افراد دیگر تعریف می‌شود. اما در اسلام احکام در هر جنبه‌ای از زندگی به خوبی مشخص شده و حق و باطل به وضوح از یکدیگر مشخص شده‌اند. علاوه بر این، هیچ تضمینی برای رفتن به بهشت برای هیچ مسلمانی وجود ندارد. بنابراین یک ریسک ابدی در انتخاب وجود دارد.

اسلام برای انتخاب درست منابع زیادی دارد. اولاً، قرآن کریم کالاهای و خدمات را به حلال و حرام تقسیم کرده است. بنابراین این تقسیم‌بندی، فهرست انتخاب‌های فرد مسلمان را پایین می‌آورد و از تناقض انتخاب به دلیل اضافه بار انتخاب، حداقل برای برخی سطوح جلوگیری می‌کند. در نهایت قرآن کریم به رفتار بهینه در هر جنبه از زندگی و همچنین در اقتصاد توصیه می‌کند. به عنوان مثال، قرآن کریم می‌فرماید: «حلال و نیکو و پاکیزه را از چیزهایی که خداوند می‌فرستد بخورید»^۱، «بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید»^۲ «وقتی

۱. (مائده ۸۸/۵)

۲. (اعراف ۳۱/۷)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

اتفاق می‌کنند به اسراف و رذالت تعصب ندارند.^۱ در این صورت فردی با عقلانیت محدود مجبور نیست برای به حداکثر رساندن سود خویش، هر کاری انجام دهد چرا که سود و لذت فقط در مورد چیزهای مادی خلاصه نمی‌شود.

علاوه بر این، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) الگویی برای مسلمانان است. سنت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) مشتمل بر حالات و رفتارها و عبارات تمام زندگی اوست. بنابراین انتخاب برای مسلمان در زندگی روزمره در صورت پیروی از سنت آسان است. از آنجایی که سنت مملو از بهینه‌ترین رفتارهاست، یک مسلمان می‌تواند از همه تعصبات اجتناب کند. علاوه بر این، احادیث (عبارات پیامبر) مسلمانان را از حالت‌ها و رفتارهای افراطی برحذر می‌دارد. از آنجایی که رفتارهای اقتصادی افراطی منجر به کج‌روی‌های اقتصادی می‌شود، رهنمودهای پیامبر (ص) اقتصاد را از انحراف حفظ می‌کند. در این شرایط برای شخصی که از این چنین سیستمی استفاده می‌کند مشکلی ایجاد نمی‌شود، زیرا افکار و عقاید او توسط قرآن و سنت هدایت می‌شود. مسلمانان در پرتو قرآن و سنت می‌دانند که دین، اخلاق اجتماعی است. علاوه بر این، صادق بودن در ابتدای اخلاق اجتماعی است. همچنین یک مسلمان می‌داند که خداوند به مردم دستور می‌دهد که برای هر زیبایی، غذا و نوشیدنی شکر کنند. بنابراین یک مسلمان شکرگزار، در دام سازگاری لذت‌گرایانه نمی‌افتد، زیرا می‌داند که سزاوار چیزی نیست، مگر خداوندی که عین ثروتمندی و سخاوت‌مند است و همه چیزهایی را که دارد حاضر است تا به او اهدا کند.

در حقیقت یک فرد مسلمان معتقد است که خداوند مالک واقعی همه چیز در جهان است. بنابراین به دلیل از دست دادن هیچ چیز مادی استرس نمی‌گیرد. با توجه به این دیدگاه، زیان‌گریزی برای یک مسلمان معتبر نیست. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر قرآن و سنت به مسلمانان می‌گوید که انسان سرشار از ضعف، فقر و

۱. (فرکان ۶۷/۲۵)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

شکست است، بنابراین اعتماد بیش از حد به خویش برای یک فرد مسلمان چیزی جز حماقت نیست. این موضوعات نمونه‌هایی از گستردگی اسلام در باب چگونگی برخورد و شکل‌دهی به رفتار اقتصادی و اجتماعی فرد مسلمان به‌طور کلی است. نکته مهم دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که برای مؤمن واقعی چنین اعتقادی وجود دارد که خداوند هر کاری را که او انجام می‌دهد می‌بیند و از بدو تولد تا مرگ هر ثانیه از زندگی فرد ثبت می‌شود. اگر گزینه مناسب را انتخاب کند در زندگی ابدی پاداش می‌گیرد یا برعکس مجازات می‌شود. این عقیده یک انگیزه قوی در زندگی روزمره است و هیچ انگیزه دیگری برای ایجاد انگیزه در مسلمان لازم نیست. اسلام این دنیا را مکانی می‌داند که برای ابتلای افراد ساخته شده است. این آزمایش دو نتیجه ممکن برای زندگی پس از مرگ دارد. شادی بی‌نهایت یا حسرت بی‌نهایت. بنابراین این باور عمیقاً بر انسان مسلمان تأثیر می‌گذارد و این محبت در تمام عمر او ادامه دارد. بنابراین این موضوع مهم‌ترین تفاوت عاطفه دینی و سیاست حکومت است. سیاست‌های دولت کلان است و اثرات محدود و موقتی بر مردم دارد. از سوی دیگر، دین، ابعادی خرد را نیز شامل می‌شود و تأثیرات عمیق و مستمری بر فرد مسلمان دارد. اسلام می‌تواند حداقل به حل مشکلات رفتاری مسلمانان کمک کند. اسلام می‌گوید که انسان در این دنیا برای امتحان آفریده شده است تا خوب و بد را از یکدیگر جدا کند. بنابراین انتخاب در زندگی روزمره برای یک مسلمان بسیار جدی‌تر از هر فرد دیگری است. با توجه به نکات بیان شده در باب چگونگی برخورد اسلام با انتخاب و شکل‌دهی رفتارهای افراد، مؤلفه‌های زیر را می‌توان به‌عنوان ویژگی‌های مبتنی بر اقتصاد رفتاری در مالیات‌ستانی با توجه به رویکرد اسلامی دانست:

۸-۳-۱. داوطلبانه

از نظر اسلام انفاق، عملی است که افراد به‌صورت داوطلبانه انجام می‌دهند و در طول تاریخ، مسلمانان، حتی انفاق‌های واجب، همانند زکات را با کمال اشتیاق می‌پرداخته‌اند. اسلام، با تربیت اخلاقی مردم به‌وسیله



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

آیات و روایات و رفتار اولیا و بزرگان دین، نوعی خودجوشی ایجاد کرده است؛ که بیشترین اثر را در رفتارهای مسلمانان داشته و دارد. در تاریخ اسلام، در طی قرن‌ها با نبود حکومت اسلامی و اجرا نشدن قوانین اسلام به صورت رسمی نیز مردم مسلمان، تحت تاثیر اعتقاد خویش به وظایف اسلامی خود عمل می‌کرده و داوطلبانه به پرداخت مالیات خویش می‌پرداخته‌اند. در حقیقت داوطلبانه بودن مالیات‌ها در اقتصاد اسلامی به معنای این است که پرداخت مالیات‌ها به صورت اختیاری و از طریق رضایت افراد انجام می‌شود. البته توجه به این نکته ضروری است که از آنجا که اقتصاد اسلامی به عدالت اقتصادی تاکید می‌کند، برخی از مالیات‌ها ممکن است به صورت اجباری برای تأمین نیازهای اساسی جامعه، مانند مالیات‌های مصرف، بهره‌وری زمین، و... در نظر گرفته شوند. اما به صورت کلی، تحت این نظام، تشویق به اعمال خیرات و کمک‌های خودجوش به جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است تا مالیات‌ها به صورت داوطلبانه و به روش‌هایی نظیر صدقات و خیرات جمع‌آوری شوند.

۸-۳-۲. عبادی

مالیات‌ها در اسلام، بیشتر جنبه عبادی دارند. در این مکتب، اکثر مسائل اقتصادی با عبادت آمیخته شده است؛ به طوری که اگر بدون قصد قربت انجام گیرد، از عهده پرداخت‌کننده ساقط نمی‌شود. در کل، در اسلام، دریافت مالیات‌ها و کمک‌های اقتصادی از افراد جامعه به عنوان یک وظیفه اجتماعی و عبادی دیده می‌شود و بر اساس اصول عدالت و توازن اجتماعی انجام می‌شود. این امر به منظور توسعه اقتصادی، حمایت از لایه‌های ضعیف و محروم و تأمین نیازهای اجتماعی جامعه مورد تأکید و اجرا قرار می‌گیرد.

۸-۳-۳. اخلاقی

هر نظام اجتماعی برای تحقق بخشیدن به اهداف خود، مانند عمران و آبادانی، هزینه‌های کارمندان، بالا بردن فرهنگ عمومی و غیره از مردم مالیات می‌گیرند؛ گرچه در اسلام همچون دیگر مکتب‌ها با گرفتن



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

مالیات‌ها، همین اهداف را دنبال می‌کند، اما به بعد دیگری نیز نظر دارد و آن تعالی روح و تکامل اخلاقی پرداخت‌کننده است. اسلام می‌خواهد دلبستگی به دنیا را از انسان‌ها بزداید؛ به‌طوری‌که با پرداخت اموال خویش احساس فشار نکند؛ بلکه احساس کمال و آزادشدن به آنان دست دهد. اسلام به‌جای تنها تامین نیازهای مادی و ملموس جامعه، توجه خاصی به تحسین ارزش‌های روحی و اخلاقی انسان دارد. در حقیقت اسلام نه تنها به انسان‌ها فرمان می‌دهد که به افراد جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند کمک مالی کنند، بلکه اهمیت بسیاری به آزادی از بندهای دنیوی و دلبستگی به متعلقات دنیوی می‌دهد. اسلام به انسان‌ها آموزش می‌دهد که با پرداخت اموال خود و بیش از حد مصرف نکردن، زمینه کسب کمالات روحی و اخلاقی را در خویش تقویت کنند. به‌طور کلی، اسلام در تحقق اهداف مالیاتی و اقتصادی‌اش، علاوه بر اینکه به بهبود وضعیت مادی افراد توجه دارد، به تکامل روحی و اخلاقی انسان‌ها نیز تاکید دارد و هدف آزادی انسان‌ها از بندهای دنیوی را به‌عنوان یک هدف اخلاقی ارزشمند در نظر می‌گیرد.

۸-۳-۴. مردمی

بخشی از اتفاق‌ها در اسلام، توسط خود افراد، به موارد مصرف پرداخت می‌شود؛ مانند زکات فطره کفارات، نذورات و صدقات مستحبی. در نتیجه آثار این پرداخت برای آنان ملموس می‌شود و نوعی ارتباط محبت‌آمیز میان افراد جامعه از فقیر و غنی برقرار می‌شود و ثروتمندان بهتر با مشکلات زندگی فقرا آشنا می‌شوند و در نتیجه بیشتر به فکر آنها هستند. در نظام‌های مالیاتی دیگر مکاتب، همه مالیات‌ها ابتدا به خزانه دولت واریز می‌شود و سپس به موارد مصرف انتقال می‌یابد و پرداخت‌کننده آثار کار خویش را به‌زودی نمی‌بیند. در حقیقت مفهوم "مردمی بودن مالیات‌ها" به معنای مشارکت و شرکت گسترده مردم در فرآیند تصمیم‌گیری درباره مالیات‌ها و نحوه استفاده از آن‌ها است. در اقتصاد اسلامی، این اصل به عنوان یکی از اصول اساسی تحت عنوان "شورا" شناخته می‌شود که در به مشارکت واداشتن مردم در امور اجتماعی و



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

اقتصادی اهمیت زیادی داده شده است. بر اساس اصول اقتصادی اسلام، حکومت نه تنها مختار به جمع‌آوری مالیات از مردم است، بلکه نیاز به شورا و مشورت با مردم برای تصمیم‌گیری درباره مقدار و نوع مالیات‌ها دارد. این اصل تأکید می‌کند که مردم حق دارند در تعیین نحوه استفاده از مالیات‌های جمع‌آوری شده، دخالت و نظارت داشته باشند. یکی از اهداف اسلامی در این زمینه نیز این است که عدالت اجتماعی فراهم شود و ثروت‌ها به نحو متوازی در جامعه توزیع شود. از این رو، در اقتصاد اسلامی، مالیات‌ها نه تنها برای تأمین هزینه‌های دولتی استفاده می‌شوند بلکه برای کمک به لایه‌های ضعیف و نیازمند جامعه نیز به کار گرفته می‌شوند. به عنوان مثال، مالیات‌ها می‌توانند برای تأمین هزینه‌های سیستم رفاهی، حمایت از افراد نیازمند، ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. به بیان دیگر مفهوم "مردمی بودن مالیات‌ها" در اقتصاد اسلامی به این معنا است که حکومت با رعایت اصول شورا و استشاره، مالیات‌ها را از مردم جمع‌آوری می‌کند و در عین حال به نظرات و نیازهای اقشار مختلف جامعه نیز توجه می‌کند تا تمکین مالیاتی عادلانه و موثر انجام شود و به بهبود شرایط زندگی کل جامعه کمک شود. این اصل به عدالت اقتصادی و اجتماعی، شفافیت در برنامه‌ریزی مالیاتی و مشارکت مردم در امور اقتصادی نیز توجه و تأکید دارد.

۸-۳-۵. وسعت دایره

اسلام برای انفاق‌ها دایره وسیعی قرار داده است. بخشی از آنها واجب و بخش وسیعی از انفاق‌ها مستحب است؛ تا همه نیازهای مادی، معنوی و روانی جامعه تأمین گردد. در اسلام، به انفاق‌های مستحب تأکید و سفارش فراوانی شده و در عمل، بازدهی آنها را بیش از انفاق‌های واجب برشمرده است. در سایر مکتب‌ها، به دلیل توجه نداشتن به جنبه اخلاقی، چنین چیزی وجود ندارد. در حقیقت وسعت دایره انفاق‌ها (دایره توزیع) در اقتصاد اسلامی اصطلاحی است که به توصیف نحوه توزیع ثروت و درآمد در جامعه اشاره دارد. این مفهوم به عدالت اجتماعی و توازن در توزیع ثروت در جامعه نیز اهمیت می‌دهد. در اقتصاد اسلامی،



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

وسعت دایره انفاق‌ها باید به گونه‌ای باشد که افراد ثروتمند و طبقات بالای اجتماعی تعدادی از منافع خود را به لایه‌های کم‌تر برخوردار از جامعه منتقل کنند. اسلام تأکید دارد که توزیع ثروت باید عادلانه و برابر باشد و هر انسانی حق بهره‌مندی از حداقل نیازهای اساسی خود را دارد. از این رو، در اقتصاد اسلامی، دولت و نظام اقتصادی سعی می‌کنند تا به رفاه اجتماعی و توازن اقتصادی کمک کنند و از وقوع نابرابری‌های زیاد در توزیع ثروت جلوگیری کنند. وسعت دایره انفاق‌ها در اقتصاد اسلامی به معنای ایجاد توازن اقتصادی و اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و حفظ عدالت اجتماعی است. این اصل به نوعی از اصل تعهد اسلامی به تحقق اهداف عدالت و انصاف اجتماعی نیز پرده برمی‌دارد.

۸-۳-۶. اعتماد و اندک بودن هزینه استیفا

در نظام اقتصادی اسلام با توجه به نفوذ عمیق جهان‌بینی الهی در جان مردم، هزینه وصول مالیات به حداقل ممکن می‌رسد؛ زیرا مردم با اعتقاد داوطلبانه اقدام به پرداخت وجوه شرعی می‌نمایند. برخلاف دیگر نظام‌های اقتصادی که برای وصول مالیات به دستگاه‌های مختلفی نیاز دارند که موجب صرف قسمت عمده‌ای از درآمدهای مالیاتی می‌شود. در حقیقت در اقتصاد اسلامی، اعتماد و اندک بودن هزینه استیفاء مالیات‌ها از جمله اصول مهمی است که به راه‌های مختلف می‌تواند بر اقتصاد و اجتماع اسلامی تأثیرگذار باشد. در ادامه به برخی از این مؤلفه‌ها اشاره شده است: اعتماد مردم به سیستم مالیاتی: یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در موفقیت سیستم مالیاتی یک کشور، اعتماد مردم به این سیستم است. اگر مردم به عدالت و صحت فرآیند جمع‌آوری و استفاده از مالیات‌ها اعتماد داشته باشند، احتمال رویارویی با مشکلات مرتبط با فرار مالیاتی و انتقادات از سوی مردم به حکومت کاهش می‌یابد. اصول اخلاقی اسلام در مالیات: اسلام بر اخلاق اقتصادی و مالی تأکید دارد و از مردم و مسئولان می‌خواهد تا در برابر خودخواهی و فساد مالیاتی مبارزه کنند. اصول اخلاقی اسلام همچون: رعایت حقوق مالکیت و عدم تقلب در اطلاعات مالی، می‌تواند



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

به افزایش اعتماد به سیستم مالیاتی کمک کنند. سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی: در اقتصاد اسلامی، سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی با هدف کاهش فقر و رفاه عمومی تدوین می‌شوند. این سیاست‌ها می‌توانند توزیع عادلانه‌تر و بهتری از مالیات‌ها را تضمین کنند و از مردم نیز در این زمینه حمایت کنند. شفافیت در مالیات‌ستانی: اصل شفافیت در اقتصاد اسلامی بسیار مهم است و باید در جمع‌آوری و استفاده از مالیات‌ها رعایت شود. اطلاع‌رسانی مناسب به مردم درباره اهداف و نحوه استفاده از مالیات‌ها، اعتماد مردم را افزایش می‌دهد. به‌طور کلی، در اقتصاد اسلامی، اعتماد و اندک بودن هزینه استیفاء مالیات‌ها می‌تواند با رعایت اصول اخلاقی، شفافیت و اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی مناسب به‌دست آید. این امر نقش مهمی در موفقیت سیستم مالیاتی و تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی دارد.

۸-۳-۷. عدم انتقال

یکی از مسائل قابل توجه در مالیات‌ها عدم انتقال آن است. انتقال مالیات عدالت اجتماعی را مخدوش می‌کند و پرداخت‌کننده اصلی مالیات مصرف‌کننده نهایی کالاها می‌شوند. با توجه به این‌که امکان انتقال مالیات به دیگران در مالیات‌های غیر مستقیم بیشتر است، مالیات‌های وضع شده به‌وسیله شارع مقدس در اسلام، همه از نوع مالیات‌های مستقیم هستند که امکان انتقال آنها نزدیک به صفر است. به‌علاوه با توجه به مبانی ایمانی و اعتقادی پرداخت‌کنندگان مالیات‌های اسلامی انگیزه انتقال آنها به دیگران نیز وجود نخواهد داشت. در حقیقت در اقتصاد اسلامی، اصطلاح "عدم انتقال" به معنای انتقال بار مالیاتی از کسب و کارها یا اشخاصی که مالیات را می‌پردازند به مصرف‌کنندگان یا مشتریان مرتبط با آنها است. به عبارت دیگر، این اصطلاح تأکید می‌کند که هزینه‌های مالیاتی نباید به صورت کامل به مصرف‌کنندگان منتقل شود و نباید به نوعی بر روی مصرف‌کنندگان تحمیل شود. این اصل به دلیل اهمیت عدالت اقتصادی در رویکرد اسلامی، توزیع بار مالیاتی و عدم ایجاد بار سنگین برای لایه‌های ضعیف و محدود جامعه، بسیار مهم است. به بیان



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

دیگر اگر بار مالیاتی به‌طور نامناسب بر مصرف‌کنندگان انتقال یابد، می‌تواند به افزایش قیمت‌ها و افزایش هزینه‌ها برای طبقات محروم و کم درآمد جامعه منجر شود. برای رسیدن به عدم انتقال در مالیات‌های اسلامی، می‌توان از روش‌های زیر استفاده کرد: رویکرد عدالت اجتماعی: دولت و نظام اقتصادی باید رویکرد عدالت اجتماعی را در نظر داشته باشند و تمام تصمیم‌گیری‌ها را با تأکید بر عدالت انجام دهند تا به توزیع عادلانه‌تری از بار مالیاتی دست پیدا کنند. کنترل و نظارت مستمر: دولت باید کنترل و نظارت مستمری بر فرآیند عدالت اجتماعی داشته باشد و در صورت انتقال نامناسب هزینه‌های مالیاتی به مصرف‌کنندگان، اقدامات مناسبی انجام دهد. ایجاد سیاست‌های اقتصادی مناسب: تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب با هدف انتقال مناسب بار مالیاتی و عدم ایجاد بار سنگین بر مصرف‌کنندگان نیز بسیار مهم است. در نتیجه، عدم انتقال در مالیات‌های اسلامی اهمیت بالایی دارد و به منظور حفظ عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه‌تر ثروت در جامعه باید به آن توجه شود. این اصل به نوعی از اصول عدالت اقتصادی اسلامی است که به تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی مناسب در جامعه کمک می‌کند.

۸-۳-۸. توزیع مجدد ثروت

توزیع مجدد ثروت و تعدیل آن به‌طور خودکار؛ از اهداف روش مالیات در اسلام، توزیع صحیح ثروت است. به‌جهت داوطلبانه بودن مالیات‌ها و گسترده بودن دایره انفاق و مردمی بودن آن و غیره، بخش زیادی از توزیع مجدد به‌وسیله خود مردم و بدون وساطت دولت و بدون هزینه انجام می‌گیرد. اما در سایر نظام‌ها اولاً گرفتن مالیات توزیع مجدد ثروت فقط به‌وسیله دولت انجام می‌گیرد؛ ثانیاً مالیات غالباً برای رفع نیازهای دولت است و با تعدیل ثروت ثروتمندان و رفع فقر نیازمندان ارتباط چندانی ندارد. در اقتصاد اسلامی، توزیع مجدد ثروت^۱ از جمله اصول مهمی است که به نحوی بر تعادل اقتصادی و عدالت اجتماعی تأکید می‌کند.

۱. (Redistribution of Wealth)



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

این اصل بر این تأکید دارد که باید ثروت به نحوی توزیع شود که افراد و اقشار مختلف جامعه نیز بهره‌مند از آن شوند و محرومیت و نابرابری‌ها در توزیع ثروت کاهش یابد. در اقتصاد اسلامی، توزیع مجدد ثروت از طریق مالیات‌ها و نظام حمایتی دولت صورت می‌گیرد. برخی از روش‌ها و سیاست‌های اقتصادی که در اسلام به منظور توزیع عادلانه‌تر ثروت مورد توجه قرار می‌گیرد، عبارتند از: اقدامات حمایتی دولت؛ دولت می‌تواند با اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی مانند ایجاد شغل، حمایت از صنایع کوچک و متوسط و ارائه خدمات اجتماعی به لایه‌های محروم، توزیع مجدد ثروت را تسهیل کند. عدالت در مالیات‌گذاری: مالیات‌ها باید بر اساس اصول عدالت اجتماعی تنظیم شوند تا از لایه‌های برخوردارتر تا لایه‌های کم‌تر برخوردار تر به یک نحو مالیات‌ها را پرداخت نکنند. توزیع مجدد ثروت در اقتصاد اسلامی به منظور کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و حفظ عدالت اجتماعی اهمیت بالایی دارد. این اصل به نوعی از تعهد اسلامی به تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی مناسب در جامعه کمک می‌کند و بر توازن و عدالت اقتصادی تأکید می‌کند.

۸-۳-۹. هماهنگی بین کارآیی و عدالت اجتماعی

هماهنگی بین کارآیی بهتر و عدالت اجتماعی؛ یکی از مشکلات مکاتب اقتصادی این است که در صورت گرفتن مالیات (به نحوی که هرکس درآمد بیشتری دارد، مالیات بیشتری گرفته شود)، کارآیی افراد را کاهش می‌دهد؛ زیرا آنان احساس می‌کنند که همه حاصل دسترنج‌شان در اختیار آنان نخواهد ماند. در اسلام با توجه به داوطلبانه بودن مالیات‌ها و گسترش دایره آن، این تضاد پدید نخواهد آمد؛ بنابراین، افراد به دلیل اینکه با تمایل خویش اقدام به پرداخت آن می‌کنند، احساس زیان و خسارت نخواهند کرد. در اقتصاد اسلامی، هماهنگی بین کارآیی و عدالت اجتماعی در مالیات‌ستانی بسیار مهم است و به عنوان یکی از اصول اقتصادی اساسی در نظام مالیاتی اسلامی در نظر گرفته می‌شود. این هدف به این معنا است که سیستم



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

مالیاتی باید به‌گونه‌ای باشد که هم نسبت به نیازهای مالی دولت کارایی داشته باشد و منافع عمومی جامعه را تأمین کند و هم به توزیع عادلانه‌تر ثروت در جامعه توجه کند. برخی از ویژگی‌ها عدالت اجتماعی و روش‌های کارایی آن در مالیات‌ستانی در اقتصاد اسلامی عبارتند از: سنجش کارایی نظام مالیاتی: برای هماهنگی بین کارایی و عدالت اجتماعی، نیاز به ارزیابی دقیق و سنجش کارایی نظام مالیاتی و اثربخشی آن وجود دارد. برنامه‌ریزی دقیق و معقول در جمع‌آوری و استفاده از مالیات‌ها و اهداف مشخص در تخصیص منابع مالیاتی می‌تواند به بهبود کارایی سیستم مالیاتی کمک کند. توزیع عادلانه بار مالیاتی: سیستم مالیات‌ستانی به معنای این است که نرخ مالیات بر اساس درآمد یا ثروت افراد تنظیم می‌شود. این اصل به توزیع عادلانه‌تر بار مالیاتی اهمیت می‌دهد که نیازمندان و لایه‌های کم‌تر برخوردار از جامعه کم‌ترین بار مالیاتی را پرداخت کنند و برخلاف آن، ثروتمندان و لایه‌های برتر اجتماعی بار سنگین‌تری را بپذیرند. اصل عدالت اجتماعی: اقتصاد اسلامی به اصل عدالت اجتماعی تأکید می‌کند که توزیع ثروت و منافع اقتصادی باید بر اساس عدالت انجام شود. این اصل به توزیع عادلانه‌تر ثروت بین افراد جامعه و کاهش نابرابری‌ها اهمیت می‌دهد. رعایت اصول اخلاقی: سیستم مالیات‌ستانی در اقتصاد اسلامی باید با رعایت اصول اخلاقی و اصول دینی عمل کند تا به بهبود عدالت اجتماعی و تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی کمک کند. هماهنگی بین کارایی و عدالت اجتماعی در مالیات‌ستانی در اقتصاد اسلامی می‌تواند با اجرای اصول اخلاقی و اصول اقتصادی مناسب، تدوین سیاست‌های اقتصادی مؤثر و نظارت مستمر بر اجرای سیستم مالیاتی به‌دست آید. این هدف به نوعی دال بر تعهد اسلامی به تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی در جامعه است که به توازن و عدالت اقتصادی تأکید دارد. در نهایت توجه به این ویژگی‌ها از سوی کارگزاران و سیاست‌گذاران در حوزه مالیات‌های اسلامی، می‌تواند نقشی کلیدی در بهبود تمکین مالیاتی افراد ایفا کند.



موفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

۹. جمع‌بندی و دلالت‌های سیاستی

بررسی الزامات مطالعات رفتاری در راستای تمکین مالیاتی نشان می‌دهد که مدل‌های اقتصادی سنتی که بر اساس فرضیات منطقی و آگاهی کامل از تصمیم‌گیری افراد ساخته شده‌اند، نمی‌توانند به طور کامل رفتار مالیاتی را تبیین کنند. ظهور اقتصاد رفتاری و ترکیب بینش‌های روان‌شناختی و اقتصادی در بررسی تصمیم‌گیری مالیاتی، نیازمند شناخت عوامل شناختی و روانشناختی است که تأثیر آن‌ها بر تمکین مالیاتی را مشخص می‌کند. مدل‌های اقتصادی سنتی بر این فرض استوارند که افراد تصمیم‌گیرندگان منطقی هستند و رفتار خود را بر اساس مفروضات انطباق کامل با قوانین مالیاتی شکل می‌دهند. اما اقتصاد رفتاری نشان می‌دهد که افراد به دلیل سوگیری‌های شناختی، اکتشافی، هنجارهای اجتماعی و تأثیرات عاطفی از عقلانیت منحرف می‌شوند. عوامل روانشناختی مانند سوگیری‌ها، اکتشافات و اثرات کادربندی نیز در تصمیم‌گیری مالیاتی تأثیرگذار هستند. اقتصاد رفتاری با استفاده از مشاهدات تجربی رفتار انسان و تحت تأثیر قرار دادن آن‌ها و با توجه به شرایط محیطی و شخصیت افراد، تصمیم‌گیری مالیاتی را مورد بررسی قرار می‌دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که افراد در عمل به‌طور مداوم ترجیحات کاملاً عقلانی را دنبال نمی‌کنند و می‌توانند اشتباهات سیستماتیکی را مرتکب شوند.

در مطالعات رفتاری در حوزه تمکین مالیاتی، دو موضوع اصلی به‌عنوان دلالت‌های این حوزه از پژوهش‌ها بررسی می‌شوند: اثر قالب‌بندی و معماری تلنگر و انتخاب. این مطالعات نشان می‌دهند که نحوه ارائه سیاست‌های مالیاتی و قالب‌بندی آن‌ها تأثیر قابل توجهی بر رفتار مالیات‌دهندگان دارد. به عنوان مثال، اگر تمرکز سیاست‌گذار بر مزایای اجتماعی تا مجازات‌ها باشد، افراد بیشتر تمایل دارند تا از تعهدات مالیاتی پیروی کنند. استفاده از معماری تلنگر و انتخاب نیز به‌عنوان یک روش در سیاست مالیاتی بررسی می‌شود. با استفاده از تغییرات ساده در طراحی فرم‌های مالیاتی یا ارائه اطلاعات، می‌توان تأثیر قابل توجهی بر نرخ



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

تمکین مالیاتی داشت. این مداخلات رفتاری بر اساس اصول معماری انتخاب صورت می‌گیرند و مالیات‌دهندگان را تشویق می‌کنند تا به رفتارهای مطلوب از پیش تعیین‌شده مرتبط با پرداخت مالیات سوق داده شوند. به‌طور کلی، مطالعات رفتاری در تمکین مالیاتی به دولت‌ها و نهادهای عمومی کمک می‌کنند تا سیاست‌های مالیاتی خود را به گونه‌ای طراحی کنند که بهبود تمکین مالیاتی را تسهیل کند. با درک الگوهای رفتاری و عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری افراد در مورد پرداخت مالیات، می‌توان بهبودهایی در سیاست‌ها و راهبردهای مالیاتی ایجاد کرد.

همچنین دو مفهوم مهم در حوزه تمکین مالیاتی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. اولین مفهوم، هنجارهای اجتماعی متقابل مالیاتی است. این هنجارها به انگیزه‌ها و اعتقادات فردی مالیات‌دهندگان در مورد تمکین مالیاتی و فرار مالیاتی اشاره دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که هنگامی که مردم اقدام به فرار مالیاتی را از نظر اجتماعی غیرقابل قبول می‌دانند، به احتمال زیاد از این کار خودداری می‌کنند. بنابراین، برجسته کردن و ترویج رفتار صادقانه مالیات‌دهندگان و تأکید بر تعهدات متقابل می‌تواند بهبود نرخ تمکین مالیاتی را تسهیل کند. دومین مفهوم، اعتماد و انصاف مالیات‌دهندگان است. تحقیقات نشان داده است که سطح اعتماد مالیات‌دهندگان به دولت و ادراک از انصاف در سیستم مالیاتی تأثیر قابل توجهی بر رفتار تمکین مالیاتی دارد. افزایش اعتماد از طریق سیاست‌های مالیاتی شفاف و منصفانه می‌تواند به افزایش تمکین مالیاتی منجر شود. همچنین، نیاز به تأمین تمکین مالیاتی برای کاهش بودجه‌های اجرایی دولت‌ها باعث شده است تا تلاش‌هایی در جهت افزایش تبعیت مالیات‌دهندگان انجام شود. این تلاش‌ها شامل افزایش خطر کشف، تشدید مجازات‌ها و سایر اقدامات قانونی است. در واقع، برای بهبود تمکین مالیاتی، نیاز به تأمین هنجارهای اجتماعی متقابل مالیاتی و افزایش اعتماد و انصاف مالیات‌دهندگان وجود دارد.

خط مشی اقتصاد رفتاری به عنوان یک راهبرد در سیاست‌گذاری عمومی با تأکید بر تأثیر عوامل رفتاری



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

و روانشناختی در تصمیم‌گیری اقتصادی، بهبود برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی در حوزه‌های مختلف، از جمله مالیات را هدف قرار می‌دهد. در بررسی پیامدها و توصیه‌های خط مشی اقتصاد رفتاری برای مالیات‌ستانی، چندین نکته مهم مشخص می‌شود. اولاً از اصول اساسی خط‌مشی اقتصاد رفتاری، ساده‌سازی قوانین مالیاتی و برجسته‌تر کردن تعهدات مالیاتی است. ارتباطات واضح و مختصر همراه با یادآوری به موقع، می‌تواند تأثیر مثبتی بر رفتار مالیات‌دهندگان داشته باشند و از درک و تبعیت مالیات‌دهندگان بیشتری برخوردار شوند. به علاوه با توجه به برخی تحقیقات، مشکلات پیچیدگی قوانین مالیاتی ممکن است باعث نارضایتی و کاهش تمکین مالیاتی شود. لذا سیاست‌گذاران باید به این نکته توجه کنند و قوانین را آنقدر پیچیده نکنند که برای مالیات‌دهندگان دستورالعمل‌ها قابل فهم نباشند و این موضوع به شکل ناعادلانه‌ای درک شود. همچنین برجستگی مالیاتی، که به شکاف بین درک مالیات‌دهندگان از تعهدات مالیاتی و واقعیت بدهی آنان اشاره دارد، می‌تواند به چگونگی تأثیر قیمت‌گذاری مالیات بر رفتار مالیاتی نیز اشاره کند.

به طور کلی، سیاست‌های اقتصاد رفتاری شامل استفاده از نظریه‌ها و اصول رفتاری برای تحلیل و تغییر رفتار افراد در مواجهه با تحریم‌ها و پاداش‌های مالیاتی است. این نظریه بر این اصل تمرکز دارد که افراد تصمیمات خود را بر اساس عوامل رفتاری و روانی می‌گیرند و با درک این عوامل، می‌توان سیاست‌هایی را طراحی کرد که تمکین مالیاتی را ترویج کنند. در واقع دلالت‌های سیاستی اقتصاد رفتاری برای تمکین مالیاتی، به معنای استفاده از تئوری‌ها و مفاهیم رفتاری برای طراحی سیاست‌های مالیاتی و ترغیب افراد به رفتارهای مالیاتی مطلوب اشاره دارد. این نوع سیاست‌ها سعی دارند با بهره‌گیری از رفتارها و تمایلات انسانی، تشویق افراد به پرداخت مالیات‌های بیشتر و کاهش تهدیدات اجتماعی و اقتصادی ناشی از تهرانداری مالیاتی را فراهم کنند.

برخی از دلالت‌های سیاستی اقتصاد رفتاری برای تمکین مالیاتی عبارتند از:



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

۱. عدم تصویرسازی مناسب عواقب مالیاتی:

برخی از افراد ممکن است درک کاملی از عواقب مالیاتی تصمیمات خود نداشته باشند. با استفاده از روش‌های اقتصاد رفتاری می‌توان این عواقب را برای آن‌ها تصویرسازی کرده و اطلاعات لازم را ارائه داد.

۲. ارائه انگیزه‌های مثبت:

استفاده از انگیزه‌های مثبت می‌تواند تمکین مالیاتی را ترویج کند. مثلاً ارائه تخفیف مالیاتی برای رفتارهای مالیاتی مطلوب می‌تواند افراد را ترغیب به رعایت قوانین مالیاتی کند.

۳. استفاده از تحریک‌های شناختی:

در تصمیم‌گیری، مردم معمولاً از فرآیندهای تصمیم‌گیری ساده استفاده می‌کنند و به تحریک‌های شناختی و عوامل روانی پاسخ می‌دهند. سیاست‌های اقتصاد رفتاری می‌توانند از این عوامل استفاده کنند و با تغییر شناخت و دیدگاه افراد نسبت به مالیات، رفتارهای مالیاتی را تغییر دهند.

۴. ساده‌سازی فرآیند مالیاتی:

پیچیدگی و سختی فرآیند مالیاتی می‌تواند افراد را از رعایت قوانین مالیاتی دلسرد کند. سیاست‌های اقتصاد رفتاری می‌توانند با ساده‌سازی این فرآیند و کاهش بار مالیاتی، تمکین مالیاتی را افزایش دهند.

۵. استفاده از عوامل اجتماعی:

انسان‌ها تمایل دارند رفتارهای خود را با رفتارهای دیگران هماهنگ کنند. با استفاده از این عامل، می‌توان سیاست‌هایی را طراحی کرد که تمکین مالیاتی را از طریق تأثیرگذاری بر رفتارهای گروهی ترویج کنند. در واقع افراد به طور طبیعی تمایل دارند رفتار خود را با رفتار افراد دیگر مقایسه کنند و از نمونه‌گیری اجتماعی استفاده می‌کنند. در این راستا، سیاست‌های مالیاتی می‌توانند از رفتار مثبت افراد نمونه‌برداری کنند و آن رفتارها را برای سایر افراد جذاب کنند.



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

۶. اثرات اجتماعی:

مفهوم «عقاب چشم‌انداز» به این معنا است که افراد به دلیل حس غیرمستقل بودن از دیگران و نتوانستن پیگیری دقیق عواقب تصمیمات خود، تمایل دارند رفتارهای اکثریت را تقلید کنند. سیاست‌های مالیاتی می‌توانند از این اثرات اجتماعی بهره‌برداری کنند و با ایجاد تعهد به رفتارهای مالیاتی مطلوب، افراد را ترغیب به پرداخت مالیات‌ها کنند.

۷. اصل نورم:

افراد معمولاً تمایل دارند رفتارهای خود را با اصول و نرم‌افزارهای اجتماعی همخوانی داشته باشند. از این رو، سیاست‌های مالیاتی می‌توانند با ارائه توجیه‌های اخلاقی و اجتماعی برای پرداخت مالیات، افراد را متقاعد کنند که این رفتار درست و منطقی است.

۸. مکافات و تنبیه‌ها:

استفاده از اصول رفتاری مثبتی بر مکافات و تنبیه‌ها می‌تواند تمکین مالیاتی را تسهیل کند. به طور مثال، ارائه مزایای مالی، تسهیلات و تخفیفات برای افرادی که به موقع و به درستی مالیات پرداخت می‌کنند، می‌تواند اثر مثبتی بر رفتار مالیاتی افراد داشته باشد. همچنین، تنبیه و جرایم مالی قابل توجه برای عدم پرداخت مالیات به موقع و نقض قوانین مالیاتی، می‌تواند اثر ترغیب‌کننده‌ای بر رفتار مالیاتی منفی داشته باشد.

۹. تحریک انگیزه‌های معنوی:

توجه دادن افراد و مودیان مالیاتی نسبت به پاداش‌ها و مجازات‌هایی که نسبت به پیروی از قوانین در جامعه اسلامی مورد تاکید قرار گرفته است، از جمله در زمینه تمکین مالیاتی می‌تواند به عنوان یکی از عناصر مهم در زمینه تمکین مالیاتی تلقی شود.



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

۱۰. تمرکز بر حسابداری ذهنی:

اعمال کردن این مؤلفه باید به گونه‌ای باشد که در ذهن افراد مالیات‌ها به عنوان حق الهی شناخته شود که باید به اذن یا توسط امام و نواب وی هزینه شود و در غیر این صورت مؤدی حق تصرف در آن را ندارد. در این صورت وسوسه‌ها در جهت عدم تمکین مالیاتی بسیار کم خواهد شد.

۱۱. تعمیق هویت دینی:

این کار موجب می‌شود به مسلمانی که مالیات نمی‌دهد، احساس بی‌هویتی دست بدهد که از بالاترین مجازات‌های درونی است. در این صورت در سیاست‌های اخذ مالیات کافی است کارگزاران مالیاتی روی هویت دینی افراد مانور دهند و آن را به افراد متذکر شوند.

۱۲. توجه دادن مودیان به پاداش‌های معنوی وعده داده‌شده از جانب خداوند:

توجه دادن مودیان مالیاتی نسبت به این حقیقت که تمکین مالیاتی در واقع تمکین از قواعد و دستورات حکومت اسلامی است و می‌تواند در تقویت کشور موثر باشد و این تبعات قطعاً با پاداش‌های اخروی وعده داده‌شده توسط خداوند جزا داده می‌شود، می‌تواند در افزایش پرداخت‌های مالیاتی در جامعه موثر باشد.

استفاده از اصول و مفاهیم اقتصاد رفتاری در طراحی سیاست‌های مالیاتی، می‌تواند به بهبود قابل توجهی در پرداخت مالیات‌ها و تمکین مالیاتی منجر شود. با استفاده از این دلالت‌ها، دولت می‌تواند بهبود کنترل مالیاتی را تجربه کند و منابع مالی بیشتری را برای تامین نیازهای عمومی و اجتماعی به دست آورد.

با توجه به اینکه بدنمایی ناشی از کشف فرار مالیاتی تاثیر قابل توجهی بر رفتار مودیان مالیاتی دارد، دولت‌ها باید سازوکاری را فراهم نمایند تا فراریان بزرگ مالیاتی در جامعه معرفی گردند و از اعلام اسامی ابایی نداشته باشند. از طرفی، مشوق‌های مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی منجر به کاهش اخلاق مالیاتی و نقش بسیار مهمی در تمکین مالیاتی ایفا می‌کنند. با وجود اینکه مشوق‌های مالیاتی در مورد مودیان مالیاتی



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

خوش حساب و اخلاق‌مدار منجر به افزایش تمکین مالیاتی می‌شود، اما وجود معافیت‌های مالیاتی زیاد منجر به کاهش اخلاق مالیاتی سایر مودیان می‌شود؛ از این رو، نیاز است تا نحوه مدیریت مشوق‌ها و معافیت‌های مالیاتی به شکل مناسب‌تری انجام گردد. اگر مودیان مالیاتی بدانند که قوانین مالیاتی برای همه افراد اجرا می‌گردد و هیچگونه تبعیضی بین افراد جامعه وجود ندارد؛ بنابراین، خود را موظف به تمکین قوانین مالیاتی می‌دانند؛ بر این اساس، دولت باید با ایجاد حس اعتماد در میان مودیان مالیاتی و گسترش فرهنگ پرداخت مالیات، از طریق افزایش دانش مالیاتی و آگاهی به مودیان مالیاتی در خصوص قوانین و تصمیمات سازمان مالیاتی، از فرار مالیاتی کاسته و نسبت به اصلاح قوانین مالیاتی و نظارت درست بر پرداخت به‌موقع اقدام نماید. همچنین، در زمینه شفاف‌سازی مالیاتی باید به افزایش کیفیت نهادی و استفاده از عوامل شناختی تاثیرگذار بر رفتار مودیان در تمکین مالیاتی پرداخته شود. به‌طورکلی، می‌توان گفت که راهکار اساسی برای کاهش فرار مالیاتی، توسعه و فرهنگ‌سازی اخلاق مالیاتی در بدنه نظام مالیاتی و راه‌حل اجرایی شدن آن رشد اخلاق در بخش‌های مختلف جامعه است. در این پژوهش با برخی محدودیت‌ها مواجه بودیم؛ شامل عدم دسترسی به اطلاعات موردنیاز متغیرها که با طراحی پرسشنامه در بین مودیان مالیاتی جهت محاسبه متغیر اخلاق درونی و بیرونی همراه بود. همچنین وجود قوانین و مقرراتی که افشای اطلاعات اشخاص حقیقی و حقوقی را محدود می‌کنند و از طرف دیگر، اصول و قواعدی که در اختیار نهادن گزارش وضعیت مالی و مالیاتی مودیان مالیاتی جهت انجام مطالعات و تحقیقات مرتبط را دشوار می‌نمایند نیز از محدودیت‌های این تحقیق بوده است؛ بر این اساس، به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد که در مطالعات آتی، به مدل‌سازی عوامل تاثیرگذار بر اخلاق مالیاتی و همچنین سایر مدل‌های رفتاری برای تبیین رفتار مودیان پرداخته شود.



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات ستانی اسلامی

منابع

- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۳۷۹). احکام اهل الذمه و تتبعها رساله النهی عن الاستعانة والاستتصار فی امور المسلمين باهل الذمه و الکفار، بیروت، دارالجیل.
- آقانظری، حسن، آقائی، اله محمد، جوشقانی نائینی، سیدحمید (۱۳۹۰). مالیات و مشوق مالیاتی در گردونه عدالت اجتماعی. پژوهشنامه مالیات، ۶۰، ۱۵۳-۱۸۲.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰)، الجامع المُنسَد الصحیح المختصر من امور رسول الله (ص) و سننه و ایامه، ۸ جلدی، ترکیه: انتشارات المكتبة الاسلامیة للنشر و التوزیع.
- بخردی نسب، وحید، ژولانژاد، فاطمه (۱۳۹۸). بررسی نظریه واکتش منطقی در تمکین مالیات اسلامی در سطح مؤدیان حقیقی. حسابداری سلامت، ۱۸(۱)، ۲۳-۴۸.
- بروجردی، سیدحسین (۱۳۸۰)، جامع احادیث شیعه فی احکام الشریعه، تهران، انتشارات مطبعة المساحة.
- بهاروندی، ایوب (۱۳۹۵)، هویت سازی دینی (اسلامی) و جهانی شدن، دوفصلنامه مطالعات معنوی، ش ۲۱-۲۲، ۳۳-۵۱.
- پورحیدری، امید، فدوی، محمدحسن، امینی نیا، میثم (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴(۵۲)، ۸۵-۶۹.
- جلالی، علیرضا، دائی کریم زاده، سعید، هادی پیکانی، مهربان. (۱۴۰۱). تبیین ابعاد و مولفه های الگوی اصلاح نظام مالیاتی ایران بر اساس الزامات دستیابی به توسعه پایدار. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۵(۱۲)، ۲۳۸۵-۲۳۹۴.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸)، جامعه شناسی هویت ایرانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حمید الله، محمد (۱۳۶۵). مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوي والخلافة الراشدة. ۱ ج. بیروت: لبنان، انتشارات دار الفنافس.
- خالد الغفوری، مصطفی غفوری (۱۳۹۲). جستاری در ماهیت سنجی وجوهات شرعی در پرتو مالیات اسلامی. مطالعات فقه امامیه، ۹۲(۱)، ۶۳-۹۶.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی، با نظارت موسسه لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ روزنه.
- رسولی، محمدحسن (۱۴۰۱). شفافیت عملکرد مالیاتی مؤدیان. تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- رسولی، هاشم، عیاشی، محمد بن مسعود (۱۴۱۱)، تفسیر العیاشی، ۲ ج. بیروت لبنان: انتشارات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- رشیدپور، مجید (۱۳۸۱)، هویت یابی جوانان، مجله پیوند، اردیبهشت ماه، شماره ۲۷۱.



مولفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

- سیفی پور، رویا، رضایی، محمدقاسم (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات ها. پژوهشنامه مالیات، ۱۹(۱۰)، ۱۲۱-۱۴۲.
- سیفی پور، رویا، رضایی، محمدقاسم (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با تأکید بر مالیات ها. پژوهشنامه مالیات، ۱۹(۱۰)، ۱۲۱-۱۴۲.
- طالب‌نیا، قدرت‌اله، وکیلی‌فرد، عرب‌مازیار، صمدی‌لرگانی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی. حسابداری مالی، ۹(۳)، ۶۷-۸۳.
- عباس‌زاده، محمدرضا، فدایی، مرتضی، مفتونیان، محسن، بابایی‌کلاریجانی، مانده (۱۳۹۵). بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت‌ها (مطالعه موردی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران). اقتصاد مالی، ۱۰(۳۵)، ۴۵-۷۴.
- علم‌الهدی، سیدسجاد (۱۳۹۵). تحلیلی از شاخص‌های نظام مالیات اسلامی به عنوان الگوی هدف برای نظام مالیاتی ایران. بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۱۴(۳)، ۹۵-۱۰۹.
- علیرضا پورفرج و حبیب انصاری سامای (۱۳۹۰). نقش مالیات اسلامی زکات در رشد و توسعه اقتصادی در مقایسه با مالیاتهای متعارف، مجموعه مقالات سومین همایش مالیاتهای اسلامی، قم، دانشگاه مفید، چاپ اول، ص ۹۳-۹۶.
- علیزاده رضویان، سیدمرتضی (۱۴۰۱). نظام‌های تأمین مالی سلامت در کشورهای منتخب. بیمه سلامت ایران، ۱۵(۱)، ۶-۱۷.
- عمید، حسن (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست‌ویکم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- غفاری، هادی (۱۳۸۶). نظام اقتصادی صدر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- غفاری، هادی، حسامی‌عزیزی، باقر، بهزادی‌موحد، محمدامین (۱۳۹۷). مقایسه تأثیر مالیات اسلامی زکات با مالیات متعارف بر توزیع درآمد در استان‌های منتخب ایران. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۱(۱)، ۸۹-۱۱۲.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۱۷)، الجامع لاحکام القرآن. ۲۱ ج. بیروت - لبنان: انتشارات دارالکتب العلمیه.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، تجلد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه: ناصر موقیان، تهران، نشر نی.
- لشکری، علیرضا (۱۳۸۰). نظام مالیاتی اسلام، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- لوبون، گوستاو (۱۳۴۷). تمدن اسلام و عرب، مترجم: هاشم حسینی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه.
- محمد رشید، رضا (۱۳۵۰)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، انتشارات: هیئة المصریة العامة للکتاب.
- محمدی، گلاله (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین اجتناب از مالیات شرکت‌ها و شفافیت شرکتی با مالکیت نهادی (مطالعه



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

- موردی: شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، ۴۶(۴)، ۱-۱۸.
- مقدم، وحید (۱۴۰۲)، الگوی تمکین زکات در آموزه‌های اسلامی در مقایسه با الگوی اقتصادی تمکین مالیاتی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۲۳(۸۹)، ۹۹-۱۲۸.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامی.
- موسائی، میثم (۱۴۰۱)، عدالت و کلالی اخلاقی مالیات‌ها در تمدن اسلامی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۰(۳۷)، ۳۷۹-۳۹۷.
- موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۸۱). هزینه نهایی رفاه اجتماعی ناشی از مالیات‌های غیرمستقیم (مالیات بر مصرف در ایران در سال ۱۳۷۳، پژوهشنامه بازرگانی، ۶(۲۲)، ۱۸۷-۲۰۹.
- مهدوی‌خو، مهدی، مهدوی‌خو، رضا (۱۳۹۴). نگرشی بر مفهوم مالیه اسلامی با تأکید بر مالیات اسلامی زکات. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۵(۱۲/۱۱)، ۱۰۷-۱۱۸.
- مهدی‌زاده رابینی، محمدجواد، محمدی، حمید، سالارپور، ماشالله، ضیایی، سامان (۱۴۰۱). بررسی رابطه آزادی اقتصادی و رفاه اجتماعی در ایران بر اساس شاخص آمارتیا سن از رفاه اجتماعی. اقتصاد مالی، ۱۶(۵۸)، ۲۸۱-۳۰۸.
- ناجی میلانی، علی‌اکبر، مرتضوی کاخکی، مرتضی، ارشدی، وحید (۱۳۹۲). روش‌های پیادسازی مالیات‌های اسلامی در قوانین مالیاتی عصر حاضر، مطالعه موردی: زکات در مالزی و عربستان، پنجمین همایش مالیات‌های اسلامی.
- نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۶۵). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. شرح جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام محقق حلی، حقیقه و علق علیه: عباس القوجانی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- نفیسی، سعید (۱۳۹۰). مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، انتشارات اساطیر، چاپ اول.
- نور محمدی، محمدعلی، غمامی، سید محمد مهدی، جلالیان، عسکر (۱۳۹۹). مراجع صالح رسیدگی به شکایت نسبت به تشخیص و وصول ناصحیح مالیات با رویکرد اخلاق مداری در ایران. اخلاق در علوم و فناوری، ۱۵، ۱۹-۲۴.
- هاشمی، سید محمود، پرویز داودی، غلام‌رضا مصباحی، و محمدنقی نظری (۱۳۹۷). مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ یازدهم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- هاشمی، فرزاد (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی تأثیر آزادی اقتصادی بر کسری بودجه در ایران. اقتصاد مالی، ۱۱(۴۱)، ۱۵۵-۱۷۶.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸)، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه: محمدعلی حمید رفیعی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

- Abdurrosid, E. W., Chandrarin, G., & Zuhroh, D. (2023). The Role of Tax Amnesty in Moderating the Effect of Taxpayer Commitment On Tax Compliance in Individual Taxpayers in Kudus Regency in 2022. *International Journal of Educational Research and Social Sciences (IJERSC)*, 4(1), 41-48.
- Allingham, M.G. and Sandmo, 1972. A. Income tax evasion: A theoretical analysis, *Journal of Public Economics*, 1, 3-4, pp. 323-338.
- Alm, J., & Yunas, M. (2009). Spatiality and persistence in U.S. individual income tax compliance. *National Tax Journal*, 62(1), 101-124.
- Alm, J., McClelland, G. and Schulze, M. (1992) Why do people pay taxes? *Journal of Public Economics* 48: 21-38.
- Alm, J., McClelland, G.H. and Schulze, W.D. Why do people pay taxes? *Journal of Public Economics*, Issue 48/1992, pp. 21 - 38.
- Ambrecht and Association and Ambrecht: Increasing Taxpayers Compliance: A discussion of the Negligence Penalty. Paper presented to the ways and Means Committee of U.S. House of Representatives in May 1998.
- Barbuta-Misu, N. (2011). A review of factors for tax compliance.
- Boyd, R. 2020. The Early Modern Origins of Behavioral Economics. *Social Philosophy & Policy*. Oxford: Cambridge University Press. 37, 1, 30-54.
- Brown, S. J., Goetzmann, W. N., Kumar, A. (1998). The Dow Theory: William Peter Hamilton's Track Record Reconsidered. *The Journal of Finance*. 53, 4, 1311-1333.
- Camerer, C., Loewenstein, G., Rabin, M. (2004). *Advances in Behavioral Economics*. Princeton University Press. pp. 4-6.
- Daniel, K., Hirshleifer, D., & Subrahmanyam, A. (1998). Investor psychology and security market under-and overreactions. *the Journal of Finance*, 53(6), 1839-1885.
- Elizabeth A. M.; Lynn R. K. (2013). *Belief Systems, Religion, and Behavioral Economics: Marketing in Multicultural Environments*. Business Expert Press.
- Erik, A. (2021). *A course in Behavioral Economics*, 3rd ed. Red Globe Press. 2-4.
- Esther-Mirjam, S. (2004). Behavioral Economics: How Psychology Made Its (Limited) Way Back into Economics. *History of Political Economy*. 36(4): 735-760.
- Feld L.S, Frey B and Targler B. Rewarding Honest Taxpayers? Evidence on the Impacts of Rewards from Field Experiments. Paper presented on April 9 2006 on "Managing and Maintaining Compliance.
- Frey, B. S. and S. Meier (2004). Social comparisons and pro-social behavior: Testing conditional cooperation in a field experiment. *American Economic Review* 94(5)
- Graetz, M.J. and Wilde, L.L. (1985) The economics of tax compliance: facts and fantasy.



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

National Tax Journal 38: 355–363.

Hallsworth, M., List, J. A., Metcalfe, R. D., & Vlaev, I. (2017). The behavioralist as tax collector: Using natural field experiments to enhance tax compliance. *Journal of Public Economics*, 148, 14-31.

Hansen, K. B., Presskom-Thygesen, T. (2022). On Some Antecedents of Behavioural Economics. *History of the Human Sciences*. 35, 3-4, 58–83.

Heath, C., & Soll, J. B. (1996). Mental budgeting and consumer decisions. *Journal of consumer research*, 23(1), 40-52.

Hyun, J. K. Tax Compliances in Korea and Japan: Why are they different? Policy Research Institute, Ministry of Finance, Japan, February 2005, pp. 115.

IRS.gov (2012a). IRS releases newtax gap estimates: Compliance rates remain statistically unchanged from previous study. 6 Jan. 2012. Web. 1 March 2012 <http://www.irs.gov/newsroom/article/0,,id=252038,00.html>

IRS.gov (2012b). 2011 tax statistics. Web. 28 September 2012 <http://www.irs.gov/pub/irs-soi/11taxstatscard.pdf>

Islam, A., Rashid, M. H. U., Hossain, S. Z., & Hashmi, R. (2020). Public policies and tax evasion: evidence from SAARC countries. *Heliyon*, 6(11). Agner, E. (2021). A course in Behavioral Economics. 3rd ed. Red Globe Press. pp. 2–4.

Kahneman, D. & Tversky, A. (1979). "Prospect Theory: An Analysis of Decision under Risk." *Econometrica*, 47 (2), pp. 263-291.

Kathryn; Z., Joshua, T. (2018). *Research Handbook on Behavioral Law and Economics*. Books.

Kettle, S., Hernandez, M., Ruda, S. & Sanders, M. (2016). Behavioral Interventions in Tax Compliance. Evidence from Guatemala. Washington: World Bank Group.

Kirchler, E. The economic psychology of tax behaviour. Cambridge: Cambridge University Press, 2007.

Luce, R. D. (2000). *Utility of Gains and Losses: Measurement-theoretical and Experimental Approaches*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Publishers.

Luts, M., Roy, M. V. (2019). Nudging in the Context of Taxation How the Belgian FPS Finance Uses Behavioral Insights to Encourage Taxpayers to Pay Faster, IOTA Papers, 1-17.

Luttmer, E. F. P. and M. Singhal (2014). Tax morale. *Journal of Economic Perspectives* 28 (4), 149-168.

McCaffery, E., & Baron, J. (2004). Framing and taxation: Evaluation of tax policies involving household composition. *Journal of Economic Psychology*, 25(6), 679–705.

Murphy, K. (2004). The role of trust in nurturing compliance: A study of accused tax avoiders. *Law and human behavior*, 28, 187-209.



مؤلفه‌های مداخلات رفتاری اثربخش در تمکین مالیاتی، رهیافتی از مالیات‌ستانی اسلامی

- Nava, A.; Colin F. C.; George, L. (2005). Adam Smith, Behavioral Economist. *Journal of Economic Perspectives*. 19(3): 131–45.
- Niels, G. (2017). The Rise of Behavioral Economics: A Quantitative Assessment. *Social Science History*. 41(3): 555–583.
- Pyle, D.J. (1991) The economics of taxpayer compliance. *Journal of Economic Surveys* 5: 163–198.
- Sanders, D., Reckers, P., & Iyer, G. (2008). Influence of accountability and penalty awareness on tax compliance. *Journal of the American Taxation Association*, 30(2), 1–20.
- Sandmo, A. (2005) The theory of tax evasion: a retrospective view. *National Tax Journal* 58: 643–663.
- Schelling, T. C. (1984). Self-command in practice, in policy, and in a theory of rational choice. *The American Economic Review*, 74(2), 1-11.
- Sent, Esther-Mirjam (2004). Behavioral Economics: How Psychology Made Its (Limited) Way Back into Economics. *History of Political Economy*. 36, 4, 735–760.
- Silvani, C. (1992). 8 Improving Tax Compliance. In *Improving Tax Administration in Developing Countries*. International Monetary Fund.
- Slemrod, J. (1992). Do taxes matter? Lessons from the 1980s. NBER Working Papers Series, National Bureau of Economic Research, 1-13.
- Smith, K. W. and Stalans, L. J. Encouraging tax compliance with positive incentives: A conceptual framework and research directions. *Law and Policy*, Issue 13/1991, pp. 35–53.
- Thaler, R. (1980). Toward a positive theory of consumer choice. *Journal of economic behavior & organization*, 1(1), 39-60.
- Thaler, R. H., & Johnson, E. J. (1990). Gambling with the house money and trying to break even: The effects of prior outcomes on risky choice. *Management science*, 36(6), 643-660.
- Thaler, R., (1999), Mental Accounting Matters, *Journal of Behavioral Decision Making*, 12, 183-206.
- Thaler, R.H. (1994) *The Winner's Curse: Paradoxes and Anomalies of Economic Life*. Princeton: Princeton University Press.
- Tom C. W. L. (2012). A Behavioral Framework for Securities Risk. *Seattle University Law Review*.
- Torgler, B. (2007). Tax compliance and tax morale: A theoretical and empirical analysis. Northampton, MA: Edward Elgar Publishing, Inc.
- von Neumann, J. and Morgenstern, O. (1947) *Theory of Games and Economic Behavior*. Princeton: Princeton University Press.
- Yitzhaki, S. (1974) A note on income tax evasion: a theoretical analysis. *Journal of Public Economics* 3: 201–202.



مقام معظم رهبری دامت ظلّه:

«من به شما عرض کنم که مالیات یک امر الزامی و شرعی است و در جامعه اسلامی، دولت در صورتی که لازم بداند، برطبق قانون باید از درآمدها مالیات بگیرد. کسانی هستند که با داشتن درآمدهای کلان، از زیر این وظیفه‌ی قانونی شرعی الزامی، که به نفع کشور و برای طبقات کم‌درآمد و در خدمت مصالح اسلامی است، استتکاف می‌کنند...»

(بیانات در دیدار جمعی از اصناف؛ ۱۳/۰۴/۱۳۷۰)

مالیات نقش مهمی در تامین مالی خدمات عمومی، زیرساخت‌ها و برنامه‌های رفاه اجتماعی ایفا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان ستون فقرات هر اقتصادی عمل کند. با این حال، علیرغم اهمیت این موضوع، تمکین مالیاتی همچنان یک چالش برای دولت‌ها در سراسر جهان به‌شمار می‌رود. افراد و مشاغل اغلب درگیر اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی هستند که منجر به از دست دادن مقادیر چشمگیری از درآمدهای مالیاتی شده است، توجه به سیاست‌های پیشنهادی اقتصاد رفتاری در راستای تمکین مالیاتی و توجه به نتایج چشمگیری که در پیاده‌سازی این سیاست‌ها حاصل شده است می‌تواند به درآمدهای سرشار منجر شده و دولت‌ها را در برنامه‌های توسعه‌ای خویش بیش از پیش یاری کند.